

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

درباره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

جمشید آریانپور

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

در باره برخی از مسایل مربوط به
دشمن اصلی مردم ایران

جمشید آریانیور

توضیح :

د ومقاله " درباره برقی از مسائل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران " و " دشمن اصلی مردم ایران کیست؟ در شماره های ۹۰، ۱۱۰، ۱۳۰ و ۲ " نشریه آزادی ایران چاپ پاریس رج گردید . اینک این د ومقاله بطور کامل دریک جزو در اختیار هموطنان عزیز قرار میگیرد .

فهرست

درباره برجی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران

- الف - جرا برجی از رو شنگران با مستله دشمن اصلی را نسبواند بینند؟
۵
- ب - اسبابهای بمصد و درسیانی از تاریخ
۸
- ج - بورسی رشد تضادهای داخلی و مستله دشمن اصلی!
۱۱
- د - حزب نوده و مستله دشمن اصلی
۱۹
- ه - دشمن اصلی و عواضع ضد و نقض مجاهدین
۲۷
- و - دشمن اصلی و درگیریهای حزب دمکرات و کومه له
۳۱
- ز - سخن آخر
۳۶

دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

- ۱ - سردرگمی رهبران و روشنگران
۴۱
- ۲ - آیا دشمن اصلی داخلی است یا خارجی؟
۴۲
- ۳ - آیا دشمن اصلی در شخص خمینی خلاصه میشود؟
۴۵
- ۴ - دشمن اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی است
۴۷

الف- چرا برخی از "روشنفکران" مامسئله دشمن اصلی رانمی توانند بینند؟

باگذشت زمان و فشار را قعیت‌های تلخ میهن ، جای بسی خوشوقتن است که اکنون برخی از نیروهای واقع بین و آزاد یخواه - بد و رازد سیسه‌ها و عوا مفریبیهای تئوریستینهای مخفی و نفوذی رژیم جمهوری اسلامی و برخی از حامیان خارجی آن - درین اپوزیسیون ناهمگون ایران ، آرام آرامی میبرند دشمن اصلی مردم ایران کیست . و با صراحت تمام به موضعگیری مشخص در مقابل این مسئله بزرگ و عدم همامعت ایران میبرد ازند . اما اکنون اپوزیسیون نتوانسته‌اند به این سوال جواب دهند که براستی دشمن اصلی مردم ایران کیست ؟ نوک تیز خطه آزاد یخواهان ایران به کدام سوابقیست معطوف گردد ؟ بسیاری نیز براین با ورنده که مردم ایران با " چندین دشمن اصلی " روپرور میباشند . و اذعان میدارند : باید با کلیه‌این " دشمنان اصلی " دریک زمان و در چندین جبهه " نیز درین امان " پرداخت . آنان بر حسب روابط گروهی ، سازمانی ، شخصی و تفکر اشتباه‌آمیز و اعمال نفوذ عوامل و نیروهای فشار ، از " دشمن اصلی " یک ازد رون کشوریه رهبری رژیم اسلامی و دیگری د ریرون ایران به نمایندگی عراق سخن میرانند . و بیان میدارند که باید برای سرنگون نمودن هر دو ولت تلاش نمود . عده‌ای نیز به دلایل مختلف برخی از

نیروها و سازمانها از جمله حزب تود^۵، حزب دمکرات کردستان، مجاہدین خلق و سلطنت طلبان و با برخی از کشورهای خارجی مانند آمریکا، اتحاد شوروی، عراق، فرانسه، انگلستان و... را در شمنان اصلی مردم ایران پنداشتند اشتهاد عالم روپایا باکیه آنان به مقابله و نبرد بین امان "میپردازند". آنان با سهل انگاری تمام، کلیه روش‌های علمی در شناخت و حل مسائل سیاسی - اجتماعی کشمره چندین هزار سال تلاش و مبارزه‌جا معهدهای است را نفی می‌کنند و خود حق این زحمت را نمیدهند که کسی همچه تعمق و نتیجه‌گیری بنشینند تا ببینند چرا ملت ایران دریک قرن گذشته هموار مشکست خورد^۶، و اکنون با کدام مشکلات اساسی و عدم داری روپرور است. البته برای ما ایرانیانی که در طی ۸ سال گذشته، با سه شکست بزرگ تاریخی (شکست انقلاب مشروطیت، شکست دولت ملی مصدق و استقرار یک رژیم فاشیستی - مذهبی) (روپرورداییم، و در طول این مدت هیچیک از رهبران و روشنفکران مانتوانستند با آگاهی و واقع بینی درباره مسائل جهانی و شناخت صحیح از شرایط شخص جامعه ایران و پرخورد ارای از روش علمی و حس عمیق وظیفه‌شناسی نسبت به ملت در میان مان به تجزیه و تحلیل اوضاع یک منطقه بران را، دریک کشور آسیائی عقب‌افtar مای چون ایران بپردازند و میهن رانجات دهند، طبیعی است که اکنون هم غیر منطقی ترین سخنان و مطالب مانند نقل و نبات از طرف اراده هندگان همان خطوط غلط^۷. ۸ ساله مطرح گردید و موجب هرج می‌شترشدن آشفتگی‌های فکری متداول شد. به همین دلیل روشنفکران و رهبران کنونی ما میراث قریب به یک قرن از "خطاها"، اشتباهات و روش‌های غیرعلمی و غیراصولی را برداشته و از همان سنتهای منسوخ و عقب مانده‌ای پیروی می‌کنند که بارها باعث شکستهای بزرگی در تاریخ معاصر ایران شدند. "روشنفکران" و "رهبران" مابد و مسئولیت عمری را وقف بین علمی، ذهنیگری، فلسفه‌بافی و انسان‌بیوسی و ایجاد سرد رگی و گیجی نمودند کشمره و نتیجه‌آن روی کار آمدند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. آیا این سخنان حقیقت ندارد؟ آیا خوانند متعیزی‌بی‌غرض میتوانند نیمنگا هی بگذشته‌هایی این در وفاکند و روابط و موضع‌گیری‌های این قبیل "رهبران" و "روشنفکران" "ملی" و "مترقی" را در جلسه‌ها، کنگره‌ها، کفرانس‌ها با خاطرآورد؟ آنان چه "نزها" وجه برنامه‌هایی که راه‌هند اند، و چه کتابها و جزووهای توئیزی‌هایی که به رشتہ تحریر زیبا و زند!

اما هنگامیکه آرامایش بزرگ فرار سید، هنگامیکه رژیم اسلامی چون سیلی خانمان براند از و ایران ویران کن ایران را در نوردید، آنان چه کردند؟ آیا آنان از موقعیت استراتژیکی ایران بی خبر بودند؟ آیا نمیدانستند که گرگهای گرسنه مطباس میشند راه های زهر طرف میخواهند ایران را بد رند و پاره کنند؟ حال همان آقایان پرمدعا، همان کسانی که در مقابل رژیم جنایتکار اسلامی پیراهن دارند، بازنوافتادند و از "اسلام مبارز" و "استقلال آزادی و جمهوری اسلامی" یک مشت خائن و وطن فروش حمایت کردند، دست از سر مردم ایران بر نمیدارند و هنوز هم بد ون اینکه خمبهای بروآورند میخواهند با ارائه نظریات غلط و انحرافی ریشه دار ارخود مرد مرانند گذشتگیج و سرد رگ کنند. باید با کمال صراحت و بد ون کترین شبیه مبیان کرد "روشنگرکان" و "رهبرانی" از این قبیل هستند که "نا آکا هانه" سخت ترین ضربات ولطمات را از رون بربیکرا پوزیسیون بد ون هدف و پیماری کتملو تلو. خوران بوسیله میکرها کشند همورد تها جماست، وارد می آورند. بدین جهت از این قبیل افراد و "شخصیتها" بهیچوجه نمیتوان انتظار داشت تا بتوانند در دی از دردهای بی شمار جاهه ایران را شلن کرده و سپس به درمان آن بپردازند. زیرنما مسعنی و کوشش این آقایان اینست که با "زیرکی" مواضع و برخوردهای غلط گذشتگی خود را بپوشانند. آنان بر استقیم از گذشتگی خود وحشت دارند و هرگز جرات نکردند کوچکترین انتقادی از روابط و نظریات و "رهنمودهای سرا با غلط واشتباه مسخور بعمل آورند. آنان به بوسیله ورود غیر منطقی و سفسطه آمیزی دست می یازند تا مبار امر می بردند که این آقایان سرشناس و "آگاه" از چه منجلابی تنذیه میکردند. برای دیدن واقعیت های ایران و تشخیصی تضاد های عمد ه جامعه و نشانه گیری بسیور دشمن اصلی ملت ایران، برخورداری از صداقت، حس عمیق وظیفه هشناسمی نسبت به سرنوشت ملت ایران، روحیه از خود گذشتگی و انتقاد از خود و جسارت و فروتنی را طلب میکند. که این آقایان از آن بی بهرها ند. آنان در جستجوی ناموجاهند و نمیخواهند و نمیتوانند شرافتمند اند واقعیت های ایران را آنگونه که هست ببینند. آنان چون بختکی بر سر اپوزیسیون سایه افکند هدود رهمکاری و همیاری باد شمنان پر تجریه و زید آزادی ایران از هیچ توطئه های برای نابودی تشکلهای د مکراتیک و آزادی خواهانه ای که بد رستی دشمن اصلی مرد ایران را شان کرد، فروگذار نمیکند. آراینست آن دلایل اساسی که چرا برخی از

افراد ، "روشنگران" و "شخصیت‌های" درونی اپوزیسیون قادر به تشخصیعنی دشمنان اصلی و فرعی مرد ممانیستند . و بهمین دلیل مرزبین دوستان و دشمنان واقعی را نیز مخدوش کرد و زیان جبران ناپذیر بر مبارزات د مکراتیک مرد ایران وارد نموده است . ولی آیا همه روشگران را باید با یک چوب راند؟ بهیچوجه؟ در این مبحث یک نکته دیگر را باید پاره آور گردید : برخی دیگر از روشگران نیز هستند که مصارف قانعه رجسنجی را هند و اشکالات و استباها خویش را با کمال صراحت مورد نقد و بررسی قراردادهند ، ولی هنوز بهماین نتیجه نرسیده است که دشمن اصلی مرد ایران رژیم جمهوری اسلامی است و یا می‌پنداشد که ملت ایران با "چندین دشمن اصلی بطور همزمان" روبروست . دلیل این امر بائین بود نسبت مبارزات در جنبش د مکراتیک مرد ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی است . البته بارشد مبارزات د مکراتیک بر علیه رژیم اسلامی ، خواهی نخواهی این وضعیت تغییر خواهد کرد . و آن دسته‌ها زروشنگران و آزاریخوانان صادق و مبارزی که در مبارزات د مکراتیک شرکت ندارند ، اماد رمود تشخیص تضاد‌های عمد و غیر عمد ایران نتوانسته‌اند به نتیجه روشن و قطعی بررسند ، دیریا زود بهماین نتیجه خواهند رسید که : در مقابل دشمنان عده‌ی ایران یکی باید نقش اصلی و کلیدی را ایفا کند و تا این امر روشن نگردد امکان پذیر نیست مبارزات د مکراتیک و آزاریخوانان بر علیه رژیم اسلامی پیروز گرد . برای روشن نمودن این امر بسیار نیکوست که نظری به برخی از تجربیات تاریخی بی‌فکیم .

ب - استباها مصدق و در سهابی از تاریخ

در کلیه مبارزات و جنگ‌های حق طلبانه‌یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل ، مشخص کرد ن دشمنان و دوستان واقعی و مرزبندی دقيق و روشن بین آنها است . پیروزی ملت‌ها در مبارزات حق طلبانه بر دشمنان قوی‌پنجه ، ناشی از تحلیل و موضع‌گیری صحیح آنان در قبال دشمنان واقعی و در اتحاد بار و دستان حقیق ، در هر مرحله‌ود ویره خاص تاریخی

میباشد بطوریکه این تحلیل و شناخت صحیح کلیه تصمیم‌گیریهای استراتژیک و تاکنیکی در مبارزات، جنگها و مذاکرات را تحت الشعاع قرارداده و موجب پیروزی نهائی گردیده است. در مقابل ملاحظه میشود آن دسته‌از مردم مومنت‌هایی که وجود شرایط مساعد دخلی و بین‌المللی، بعلت عدم شناخت واقع بینانه و اصولی از نیروهای دشمن، و مزینندی دقیق بین دشمنان و دوستان واقعی نتوانسته‌اند از موقعیت‌های مناسب بهره‌گیرند، شکست خورده‌اند و فرستهای گرانبهای را از دست داره‌اند. در میهن ما ایران نیز این گونه شکستهای ورویدادهای غمانگیز و اسف‌بار، بارهات کارشده است. کافی است نگاهی بر تاریخ معاصر ایران افکنی‌تام عمق فاجعه‌ابهتر را ببینیم. چرا فاجعه؟ زیرا در طی سه مرحله مشخص تاریخی - انقلاب مشروطیت، جنبش ملی بربری مصدق و سقوط رژیم‌پهلوی - شرایط مساعد را خلی و بین‌المللی برای ایجاد یک حاکمیت ملی و مکراتیک فراهم‌آمده بود، ولی در هر سه مرحله‌مرد ایران مواجه باشکست تلخ ترسخت ترکرده بود. یک نمونه بر جاسته‌راین مورد نقش رهبری دکتر مصدق در رجنبش ملی و آزادی‌خواهانه ملت ایران است. براستی چرا دکتر مصدق و جنبش ملی در ایران شکست خورده؟ چرا در رشایطی که تضاد‌های را خلی و بین‌المللی از هر نظر آماره بود، و مرد بطوریکارچه‌harmaست و پشتیبانی صمیمانه‌ای دکتر مصدق برخاستند، دلیل ملی سقوط کرد؟ اشتباهات مصدق کد؟ هبود؟ بزرگترین اشتباه دکتر مصدق و جنبش ملی در این بود که آنان در آن مرحله تاریخی دشمن اصلی را خلی را مشخص نکرده، و با کیاست و هوشیاری خط فاصل روشی بین دشمنان و دوستان اصلی و واقعی نکشیدند. متأسفانه دکتر مصدق با وجود برخورد از بودن از احساسات عمیق ملی و آزادی‌خواهانه، نتوانست بربری صحیح و دراندیشه ای تضاد‌های بیشمار و پیچیده درونی جامعه ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بهمین علت‌وی قدر نبود باره نمودهای صحیح و روشن به حل مشکلات و مسائل عدیدهای دولتی‌یک سیاسی جامعه ایران در روابط‌ها موقعيت طبقات، احزاب و نیروهای مختلفاً قتصادی بپردازد. تا از این طریق ملت را مشکل کرده و مبارزات ملی و آزادی‌خواهانه را برخوبی ازقدرت تصمیم‌گیری بسر منزل مقصود و پیروزی برساند. اگر نیم‌نگاهی بررویدادهای آن در این بیفكیم و نه تنها اصفات نیکو و خصلتهای والا و پرازش مصدق، بلکه اشتباهات اول

رانیزبرشماریم، و با دیدی انتقادی حقایق بحران زارا مد نظر آریم، (بخصوص برای نسل جوان که خود شاهد تغییرات آن دوران نبود) این امر حائز توجه و تعمق بسیار است (بینیم که هرگاه در ولت مصدق با واقع بینی و قاطعیت نسبت به مسائل داخلی عمل مینمود) و از موقعیت مناسب واستواری در رون کشوربرخورد ارمیگردید، در عرصه جهانی سیاسی - دیپلماتیک، قدرت‌های استعماری را وارد اریه‌عقب نشینی میکرد. و بازتاب مبارزات داخلی ایشکل مژه روابط خارجی را تحت تاثیر و نفوذ قرار میداد. ولی هر زمان در سیاست‌های درونی کشور از موضع ضعف و تزلزل در برابر شمن اصلی در اخلی حرکت میکرد و راه آشنا و مسالمت را می‌پیمود، فوراً در عرصه بین‌المللی موجب تقویت مواضع نیروهای استعماری میگردید. اما در کترمصدق ویارانش متاسفانه به نقش در شمن اصلی در رون کشور بسیار که بهار اد و اساس مبارزات ضد استعماری را در خارج از مرزهای ایران و پایه‌های مذاکرات گسترد مباره‌بران آمریکائی و انگلیسی قرارداد مبودند. آنان بدلاً لیل بسیار برای این اندیشه بودند که باتاکید بر مبارزه در عرصه بین‌المللی، میتوانند پیروزی را برای طلت ایران بگان ارمغان آورند. و به عرصه واقعی مبارزه، در رون کشور و نقش خطرناک عوامل و دست‌نشاند استعماری در اخل ایران به عنوان خطر اصلی توجه مکنی به عمل نیا وردند. آری در کترمصدق ویاران او بعلت داشتن همین نقطه ضعف بزرگ در عد متشخصی تضاد‌های درونی بود که نتوانستند ارزیابی صحیحی از شرایط مشخص در اخلی کشور بعمل آورند و شواریهای راه پریچ و خم، طولانی و پرازپرستگار رنظر گیرند، تاباکی یورش حساب شد و از جانب دشمن اصلی آن در رون ازیاند و نهضت بزرگ ملی و آزاد یخواهانه ملت ستمدیده ایران متلاشی نگرد! آزاد یخواهان ایران با ارج نهادن بر مبارزات در کترمصدق و سایر رهروان آزاد ایران می‌بایست اشتباها را آنان را بار قت مورد بررسی و موشکافی قرار دهند، تابتوانند در شرایط کنونی از تجربیات گذشته نتیجه گیری کرد و آنرا توشه راه برای مبارزات در مکراتیک کنون نمایند. مدح و ستایش یک جانبه در کترمصدق بید و ن دیدن اشتباها وی - که متاسفانه بسیار مرسوم می‌باشد - البت‌نه میتواند ماراد رشراحت کنونی بطور مژه ریاری دهد. بدین جهت با توجه به اشتباها ر در کترمصدق، آزاد یخواهان ایران می‌بایست قبل از هر چیز فراگیرند: تا تضاد‌های درونی جامعه و واقعیت‌های عینی

ایران را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهد و را ولین قدم، دشمن اصلی داخلی را مشخص کند . هر مقاله ، تزوییه برناها باید ون توجه به این امر اساسی عملی بیهوده و عبست خواهد بود . زیرا براساس اصول ثابت شده جامعه‌شناسی ، فلسفی و روش علمی ، تکامل هر پیدیده می‌شیئ را می‌بایست نه در رسیرون بلکه در در رون آن پدیده می‌شیئ مورد بررسی قرار دارد . عوامل بیرونی و خارجی نقش در جهد و موثرانوی را برعهده دارد . این یک اصل علی درباره مسئله‌شناسی است هر پیدیده می‌باشد . برای مثال : براساس این اصل ، عامل عدم سقوط رئیس‌جمهور انتیوان در اثر توطئه قدرتها بزرگ خارجی بحساب آورد . عامل اصلی تغییرات سال پیش در بین جامعه ایران نه فتیمود . نقش قدرتها خارجی استعماری و آقای خمینی و اطرافیان وی در جهد و ماژاهیت قرار داشت . البته آنها توانستند از طرق مختلف در رهاد نمودن تضاد‌های گوناگون در رون جامعه ایران بطور مؤثر اقدام کنند ، اما وجود همان علل در رونی بود که تغییرات بهمن ۵ را پیدا ورد . از تجربیات گذشتہ در ورزش یک تاریخ معاصر باید آموخت ! دشمن اصلی واقعی را می‌بایست مشخص نمود . هر انحرافی هر آن‌را ذکر کنیم از این مسئله بسود رئیس‌جمهوری اسلامی و بر ضد مبارزات دمکراتیک کنونی محسوب می‌گردد . اینست که آزار یخواهان راستین ایران وظیفه‌بس سنگینی را در شکافت و تجزیه و تحلیل مسایل پیچیده جامعه‌برعهده دارد . بررسی ونتیجه‌گیری در قیق و همه جانبه‌های از تجربیات و شکسته‌های متواتی وی دری . مساله گذشتہ میتواند کمک شایانی به آزار یخواهان در شناخت کنونی مسئلات بیشمار می‌نموده ، و از انحرافات خط‌ترنگی که مانند سقوط در پرستگاهی ژرف ممکن است هر لحظه آنان را از مسیر صحیح مبارزات دمکراتیک درونماید ، بازدارد .

ج - بررسی رشد تضاد‌های داخلی و مسئله دشمن اصلی !

بدون شناخت صحیح از تضاد‌های درونی هیئت حاکمه ایران امکان پذیر نیست

بتوان در راه مقابله جدی باشد شمن اصلی مردم ایران قدیم فرانه‌هار بدبین سبب در این قسمت به بررسی رشد این تضاد‌های رونی بین جناح‌های متقاوم و رژیم جمهوری اسلامی می‌پردازم.

رهبران و تئوریسینهای پشت پرده وزید رژیم جمهوری اسلامی از همان اوان میدانستند چگونه‌ما مطرح کردند دشمن اصلی خارجی از همان مردم ایران را از صحنۀ اخلاقی کشور در نگهدارند. کلیه شعارهای رژیم در طی ۶ سال گذشتۀ راس اساس این سیاست تنظیم شده است تا با ایجاد یک جو خاص و سحرانی پیشیدن بد رخفا، تهدید و ترویر مبارزات مردم هوشیار و آزاد یخواهی که از همان ابتدا متوجه هدف واقعی آنان شد مبود ندرا، در نطفه خفه‌نمایند. آیا آن در وران را بخاطر می‌آوریم؟ بخارطه‌میا وریم: در حالیکه مبارزات رانشجویان، کارگران کارخانه‌ها، رانش‌آموزان، کارمندان، ارتقیان، دهقانان و عشاپردازان قلیتهای مدنی و سایر نیروهای آزاد یخواه در حال رشد و شکل‌گرفتن بود، چگونه طرفداران "حزب الله" و "پیرو خط امام" کوشش مینمودند از بحث و گفتگو مردم مورشد آگاهیهای سیاسی آنان در مکانهای مختلف جلوگیری بعمل آورند؟ مردم غیرمتسلکل بد ون برخورداری از یک رهبری صحیح و آگاه، خود به آرامی بی میبرندند که چه کاسه‌ای زیر نیم کاسه‌است. اما رهبران و تئوریسینهای رژیم مردم را غافل‌گیر کردند و هرگونه بتکار عمل را از دست آنها بودند. سفارت آمریکا در تاریخ ۳ آبان ۸۵ بوسیله قریب به ۴۰ هستن از رانشجویان ناشناخته مسلمان پیرو خط امام "اشغال گردید و دلت" خست و وزیر محبوب "آقای بازرگان" سقوط کرد. رژیم مانند گذشته درستا ویزی یا فت تا باره یگر مردم را بخیابانها بکشاند و "پوزه دشمن اصلی آمریکای جهانخوار را بخاک بمالد": با اشغال سفارت آمریکا و سقوط دلت آقای بازرگان، "پیروان خط امام" توانستند بطور و شن از قدرت روزافزون و روپرشدی برخورد ارشوند، موج تهمت‌های ناروا، تهدید ها، سرکوهای دستگیریها و حتی ترورهای مخالفان رژیم‌پالا گرفت. و "رانشجویان پیرو خط امام" "افشاگریهای" بسیاری را بر علیه کلیه نیروهای مخالف دارا بودند. روابط با دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا آغاز نمودند. در صدر راین حملات آقای بازرگان واعضای کابینه دلت وقت و نهضت آزاری قرار داشتند. "رانشجویان پیرو خط امام" آنان را متهم

به اشتین ارتباطات سری باشد شمن اصلی نمودند. براسنی آقای بازرگان و نهضت آزادی ر رسایشی سقوط کامل قرار گرفته بودند. آنان کهاند کی متوجه خاست اوضاع شد مبودد پاترسن ولز ریا نیها د رهمن زمان خطاب به "دانشجویان پهلوخانه امام" چنین پیویند:

"... . گویند کان برنا مدر یشب و گرد اند کان را پوتلوریون نیز، با این عملیات چه چیز امیخواهند شابت کند و هم در هجه مژو شی مید هند ؟ آیا افکار رو جد انسهای آنای سرزمین را خفتگی دست د ار ملست ؟ بفرض توفیق در لین برنا محمد صد بعده ام رستنگا صورت میگیرد ؟ آیا این تبلیغات فرزند ار استین انقلاب ایران یک بهیث ارضخنه بیرون بیرون پاد انقلاب و فرصلات طلبان راست و چپ ؟ ۰ ۰ ۰ ۰ مایه د انشجویان عزیز خل امام مستقرد لانه جاسوس آمریکا هاشد ارمید هیم ۰ ۰ ۰ ۰ د راستشارات ویانا خود احساس مسئولیت اسلامی و انتلابی کند که اهانتها هی د لیل بیمود ن حاصلی ندارد . (۱)

آقای بازرگان بار رماندگی خاصی از دانشجویان عزیز و "جناح خط امام" التناس میگرد کما نتفا منگریند. ولی آنان سه وزیر انصار و رایین اعلاه میباشد سترگری عیاں امیرا نظالم در تاریخ ۸ / ۱۰ / ۸۵ میان از جندی محکوموند وی به جنس ابد و هجر جامسوسن اعتصای بد رخواسته ام که آنان نکرند. و هنوز چند ماهی از اشغال سفارت آمریکا و سقوط د وقت نگد شنبه بود که آن هاد یعنی ری به عنوان پشتیبانی از دانشجوین مسلطن بهرو خط امام" مستقرد رسفارت آمریکا، به محل سفارت آمد ه در روابطها سعمله کروکانه ای د مقابله جمعیت حاضر خواهان اعد امکر و کانها و تزویزه راهی مخالف" خط امام میشود.

و در پیشی از سخنان خود میگوید :

" دید یکه (ملت مسلمان) بوزمیزگرین قدرت امیریالیست یعنی آمریکا را به زمین مالیت ۹۰۰ معتقد که اگر ما مسلحه ای نیمه طنگ اریه او مریکا را ایران پوزماش به زمین مالیت ه شود، مطمئنا د رهمه جای د نیا پوزماش به زمین مالید خواهد شد ۰ ۰ ۰ ۰ در رابطه بـ کروکانها که جاسوس هستند و رهمه مکتب هم جما را شان اعد ام تمیین شد هاست . ۰ ۰ ۰ در این مجلس (مجلس شورای اسلامی) چنانچه اگر یک نماینده مبخواهد ریسیز از

خط امام و به نفع آمریکا قد هم بردارد ، از هم اکنون بگوئیم که ماد رخود مجلس ترویش خواهیم کرد . و مسئله‌ای نیست که ما بفتروریسم معتقد باشیم و بانباشیم ، در هر حال آمریکائی را باید سربرید . ” (۲)

آقای هاری غفاری واقعاً از موقعیت و شتگری فوق العاده ای برخورد اربود که بتواند در روزگارش در مقابل جمعیت ملتهب ، راد یوتلوزیون و خبرنگاران داخلی و خارجی این چنین را در سخن دهد . این امر نشانگران بود که قدرت سیاسی - تشکیلاتی ، تبلیغاتی و ... ” پیروان خط امام ” در رژیم جمهوری اسلامی بگونه‌ای بود که آنان قادر گشتند جنلهم را و نیروهای مخالف را بطور علنی تهدید بمرگ کنند . اشغال سفارت آمریکا و سقوط رولت با زرگان بعثت به نقطه عطفی بود که نیروهای مخالف ” پیرو خط امام ” را در سراسر این تندا و مرگباری قرارداد که آنان هرگز نتوانستند ازدرون آن خود را بپرسانند . اما از نظر نیروهای غالب و مغلوب در رژیم جمهوری اسلامی مسئله پایان نیافتد بود . جنگ قدرت پیچیده ، بی رحمانه بصور مختلف ادامه داشت و جناحهای مختلف در گیرندها پنهان و آشکار سختی بودند . اولین دستگیری آقای صارق قطب زاده (۳) ، اجتماع امجدیه نهضت آزادی (۴) ، توقیف روزنامه میزان (۵) ، عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا (۶) در گیریهای ۳۰ خرداد ۶۰ و سرکوب نیروهای متفرق و آزار یخواه ، بمبتدئی در مقبر حزب جمهوری اسلامی (۷) ، بمبتدئی وکشمکش نبا هنرور جائی (۸) دستگیری د ویاره واعده آقای قطب زاده (۹) و ... همگی از میازده شدید مرگ وزندگی بین نیروها مختلف در رونی رژیم جمهوری اسلامی سخن می‌رانند . البته پس از آنکه نیروهای غالب از هر نظر خیال خود را با خلع ید از ” طرفداران نهضت آزادی و بازگان ” آسود ننمودند ، خود را بارقیب نیرومند و تازه منفس دیگری روپروردیدند که از نفوذ قابل توجهی در درون رژیم برخوردار بود . این رقیب ” انجمن حجتیه ” بود . اما آنان نیز نتوانستند در مقابل تشکیلات گسترده و پیچیده ” پیروان خط امام ” مقاومت چندانی از خود نشاند و با یک پورش حساب شدند ، مجبور گردیدند که یک جلسات و برنامه‌های خود را تعطیل اعلام نمایند . در هم پیچیدن ” انجمن حجتیه ” کار آسانی نبود . انجمن حجتیه بخلاف جناح طرفداران آقای بازگان ” نهضت آزادی ” علّتی نبود . و در برخی موارد بسیار حساب شده

وتصورت مخفی بکارخود را رگانهای مختلف اراده میدارد . اما این جمن حجتی به علست ضعف رهبری مشتم آخوند در زمینه تشکیلاتی سیاسی و سازماندهی ، واتکا^۱ بر ارتباطات شخصی و بد هستانهای اقتصادی نتوانست برای مدت چند این دوام آورد و شکست و عقب نشینی خود را در راعلامیهای ابرا زنمود . توجه به مخشهای از اعلامیه در رخوتوجه است :

”... معذالک در صد راستفسار برآمد یم (در ری گفتار خمینی در ایران تعطیل این جمن حجتیه) البته ماس مستقیم میسر نگشت . لکن ، با تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت های محترمہ موضعه و بنا به قرائن کافیه محرز شد که مخاطب امر معظممله ، این این جمن میباشد ، لذا موضوع توسط مسئولین این جمن بعرض موسس معظم و استاد مکرم حضرت حجت الاسلام والملین آقای حلیب دامت برکاته رسید فرمودند : ” در چنین حالتی ، وظیفه شرعی در اراده مفعالیت بیست ، کلیه جلسه ها و برنامه ها باید تعطیل شود ” ... اعلام میداریم که از این تاریخ ، تمامی جلسات و خدمات این جمن تعطیل میباشد و هیچ کس مجاز نیست تحت عنوان این این جمن کوچکترین فعالیتی کند و اظهار نظر یا اعلان مفاپر تعطیل نماید . ” (۱۰)

و هنوز مدت کوتاهی سپری نشد مبود که آقای صارق خلخالی در سخنان پیش از دستور ” مجلس شورای اسلامی ” از فرست استفاره کرد و میگوید :

”... مساله ای را که من میخواستم عنوان کنم اعلامیه ای است که از طرف این جمن حجتیه منتشر کرد ها ند . من میخواهد رأینجا بگویم . آن کسی که راضی از اعمال شماست اما زمان نیست بلکه شیطان زمان آمریکاست که شما اعلامیه میدهید و شمانوارد ارید و رئیس تان آقای حلیب میگوید که جنگ باید بارستورا مام معمصوب بود میباشد . اما عادل هم کفایت نمیکند . ” (۱۱)

بدین ترتیب جناح ”پیروان خط امام“ توانستند کلیه رقبای گوناگون خود را قلع و قمع کرد ، از پیدا بدن رکند . آنان اکنون یکه تازمید ان هستند و هیچ نیروی دارد رون رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد تا بتواند بطور جدی موقعیت آنها را بخطرازد ازد . البته رهبران رژیم جمهوری اسلامی برای خالی نبودن عرضه و اینکه در ایران آزاد وجود دارد گهگاه اما جازمه میدهند آقایان نهضت آزادی ” اعلامیه ای صار رکند و جلساتی ترتیب ر هند . اما با وجود اینکه این جلسات کاملاً تحت کنترل و نظر شان میباشد و عوامل آنها

در درون "نهضت آزادی" گزارشات دقیق را به اطلاع میرسانند، تاب تحمل اراده مجلس نهضت آزادی "رانیزنسیا ورد" هم اشاره‌ای تماشکیلات آقای بازگان و نهضت آزادی را بهم میریزند، اکنون آقای بازگان و نهضت آزادی گاهگاهی فرصت می‌بیند تانظری بدنهند و ابراز وجودی کنند، تاریخ اسلامی از ایشان استفاده متبیفاتی کرد همچنان اعلام کند که "ماد رایان آزادی داریم" . "مابه نیروهای مخالف اجازه فعالیت سیاسی میدهیم" . با اینکه ماین خیمه شب بازی برخی را میتواند فریب دهد، اما مرد ممید اندند "سخاوت" پیروان خط امام" بد و ندلیل نمیباشد.

در رشد و تحکیم موضع "پیروان خط امام" در ۶ سال گذشت هم‌عوامل دیگری نیز مشتر بوده‌اند. یکی از مهمترین آنها، وجود سپاه پاسداران بعنوان ارتش نیرومندی است که اکنون قریب ۰/۰۰۵ نفر اراشام میگردد، و پرخور ارازکار رهبری مورد اعتماد، جوان و پرتحرکی است و آزمایش خود را در رسپرید گی به "رژیم اسلامی" در موارد گوناگون نشان داده است. سپاه پاسداران بمتاثم پشتیبان اصلی پیروان خط امام رهنگ هر و مرد شدن با خطرات و احتمالات غیرقابل پیش‌بینی مانند کوتاه، اعتصابات سراسری، تظاهرات خیابان و قیام مرد می‌شمار مرد. رهبری سپاه پاسداران با تبلیغ و ترویج تعصبات خشک مذہبی صدها هزار تن از جوانان شهریور هر آن را در شرایط تعلیماتی و آموزشی خاص معرفشون کرد هوسپس آنان را به جبهه‌های جنگ ایران و عراق و همچنین جنگ کردستان برای سرکوب کردن و کشتن مرد مکرر روانه می‌کند، تا بدین طریق سپاه پاسداران از تجربیات لازم برای پیشبرد و اجرای سیاست‌های ضد دیگر تکیم‌نیروهای طرفدار "خط امام" و رژیم جمهوری اسلامی پرخور اریا شد. عامل دیگر تحکیم‌نیروهای طرفدار "خط امام" و رژیم جمهوری اسلامی جنگ ایران و عراق است که تو انتسته است در طی ۶ سال گذشت هم‌عنوان "مسئله اصلی مردم ایران مورد بهره‌برداری رژیم قرار گیرد و کیهان جناحها و نیروهای مخالف "خط امام" را وارد بمحقق نشینی وی عمل نماید. باد رنگ اگر فتن رشد تضاد های درونی ایران در طی ۶ سال گذشت هم‌توان به این نتیجه رسید: تماشی و کوشش تئوری‌سینه‌ای رژیم اسلامی و پیروان خط امام" در این بود که با اقدامات مشخص عملی (مانند اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری، جنگ ایران و عراق) تضاد عمده ملت ایران را بصورت دشمن اصلی خارجی

ود رخارج از مرزهای ایران مطرح کنند . بطوریکه آقای موسوی خوئینی هابیان میکند :

”امروز تفکرها و قلمهای را بسوی غیر آمریکانشانه رفت ، رهاساختن دشمن اصلی است که توطئه میکند و بر اختن به دشمن غیر اصلی است و این نکته بسیار قابل رد است .“ (۱۲)

و آقای رفسنجانی میگوید :

”آمریکا جرئت نمیکند به منطقه وارد شود ، اگر هم وارد شد مابه آرزوی خود که مقابله با دشمن اصلی است رسیده ایم .“ (۱۳)

ومادید یم کلیه تلاشها این دلیل بود که تضاد عمد د رونی مرد ایران با رژیم جمهوری اسلامی پنهان و پوشیده بماند . آنان در نهایت درجه زیرک و موقع شناسی در این امر موفق بوده اند . اما آزادیخواهان ایران از این تجربیات چه می آوزند ؟ آنان باید از رهبران رژیم بعنوان معلمین منفی بیا موزنند که دشمن اصلی را باید در رون ایران بجویند و نه در رخارج از مرزها . دشمن اصلی و عمد همراه ایران در رون ایران قرار دارد و آن هم رژیم جمهوری اسلامی است . دشمن اصلی یعنی دشمن شماره ۱ . نمیتوان در دشمن شماره ۱ و یار در دشمن اصلی داشت . یک دشمن باید درجه ۱ باشد . و آن هم رژیم جمهوری اسلامی است . آیا ”روشنفکران“ ماهنوز از دشمن درجه ۱ داخلی و دشمن درجه ۱ خارجی باید حرف بزنند ؟ و آیا بدن این واقعیت ها در رک ”کلیش های والگویرد اری“ است ؟ آزادیخواهان راستین ایران میدانند و مبارزات در مکاتب بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ثابت میکند که هرگونه انحراف در دنیا و میتوانند و میگشوش کرد ن تضاد عمد د ۱ خلی جامعه ایران موجب کمک به دشمنان مرد ایران و در اصل رژیم جمهوری اسلامی است .

بسیار خوب ! حال اگر بپذیریم که بر طبق اصول علمی و جامعه ناسی و تجربیات تاریخی دشمن اصلی همان رژیم جمهوری اسلامی است ، بطوریکه این امر کلیه تضاد های داخلی و خارجی را تحت الشاعع قرار میدهد ، در صورت تجاوزیک کشور خارجی به درون مرزهای ایران آن هنگام چه باید کرد ؟ آیا آن قدرت متجاوزه“ دشمن اصلی ”تبديل نمیگردد ؟ در جواب باید گفت : هیچ چیز در جهان مطلق نیست ! هر یک بود ادی باید با توجه به شرایط و موقعیت خاص آن پدیده مورد بررسی قرار گیرد . برای مثال : در جنگ بین المللی دو هنگام میکه ارتشهای متفقین از یک طرف و ارتش سرخ از طرف دیگر وارد خاک

آلمان شدند و رهربن احیمهای سریا زان رایش سومین نبرد پرد اختند ، مرد م آلمان چه موضعی را میباشد استخاب کند ؟ آیا میباشد بر علیه ارشاهی خارجی اسلحه در دست گیرند و دشمن بد و شریا زان آلمان هیتلری با " دشمن شماره ۱ خارجی " به نبرد بپرسد از نند و از مام میهن دفاع کند ؟

آیا هموطن عزیزمیتواند به این سوال با صراحت و روشنی پاسخ گوید ؟ ملاحظه میشود که نمیتوان در هر شرایطی دفاع از میهن را یک وظیفه مقدس شمرد . بخصوص هنگامیکه یک رژیم فاشیستی ، ضد مردم و ضد دمکراتیک در کشور وجود دارد ، مرد م آن کشور میباشد است از کلیه مکانات داخلی و خارجی برای سرنگون کردن آن رژیم استفاده کند .

بنظر ما رژیم جمهوری اسلامی اگر برد تراز رژیم آلمان هیتلری نباشد بهتر آن نیست . رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم جنایتکار ضد انسانی و جنگ طلب است که برای تابود ایران ، منطقه و دام زدن به جنگ بین الطلي سوم تلاش میکند . ما اعتقاد داریم این رژیم دشمن شماره ۱ یعنی دشمن اصلی مردم ایران است . واعتقاد داریم دفاع از جنگ میهنه " چنین رژیم مسوج بضریب زدن جدی به مبارزات ملت ایران و دفاع آگاهانه ویانا آگاهانه از رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد . دفاع از " جنگ میهنه " ، دفاع از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است !

حال اگر برخی از سلطنت طلبان ، " ملیون " و آزاد یخواهان آگاه میگویند : " در اوضاع و احوال کنونی ، خمینی و رژیم ولايت فقیه در راس دشمنان داخلی و ضد احمدیین و دولت عراق دشمن خارجی شماره ۱ میباشد ، جای بسی تاسف است که آگاهانه ویانا آگاهاند در امگستر رژیم جمهوری اسلامی در غلطیه وزیان جبران ناپذیری بر مبارزات آزاد یخواهانه و دمکراتیک مردم ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی وارد میکنند . زیرا بمحض اینکه عراق را دشمن خارجی شماره ۱ بدانیم ، آیا رژیم ایران فوراً به دشمن شماره ۲ تبدیل نمیگردد ؟ و در آن صورت آیا طبیعی ومنطقی نیست که در جیمهه " جنگ میهنه " بر علیه دولت عراق به حمایت از " رژیم جمهوری اسلامی وارتش و سپاه پاسداران " و " دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور " بپرسد و یک دشمن خارجی به ایران تجاوز دلتنی دمکراتیک ، مردم و آزاد یخواه بقدرت بر سد ویک دشمن خارجی به ایران تجاوز

نماید ، وضع بکلی فرق میکند . در آنصورت وظیفه مقدس میهنی حکم میکند که برای دفاع از شرف و غرور ملی ، از هر وجہ آب و خاک ولا نه و کاشانه با خیزیم و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون برای راند ن دشمن شماره ۱ خارجی یک لحظه هم زیاد ننشینیم .

در شرایط کوئی میهن ما وضع بگونه دیگری است . برایران یک رژیم فاشیستی - مذہبی ضد دمکراتیک و ضد انسانی حاکم است . رژیعی برایران حاکم است که ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل کرد و دستش بخون دهها هزار تن از فرزندان دلیر و آزاد وطن آغشته است . رژیعی برایران حاکم است که به شدید ترین وجهی به کشتار و سرکوب مرد مقهرمان کردستان اد احمدید هد واژه هیچ جنایت روی گردان نیست . رژیعی برایران حاکم است که منافعش در گروار امه جنگ ایران و عراق و نابودی ایران و منطقه خلاصه شده است . منافع ۹٪ از مردم ایران با منافع چنین رژیعی در تضاد است و این امر ، موجب ایجاد رنج و متعصب و دو صفت متناقض شده است . در یک طرف رژیم جمهوری اسلامی وکیلی حامیان پنهان و آشکار و صفت آرایی کرد و پرچم فاشیسم ، جنگ ، جهل ، تعصب ، وابستگی به خارجی ، نیرنگ ، دروغ و خیانت بعلت ایران را بر افراد شهادت و متحکیم صفو خود پرداخته ، و در طرف دیگر مرد مستمد ید و پیشاپیش آنان آزاد یخواهان ایران قرارداد راند که پرچم دمکراسی ، صلح آزادی ، استقلال ، حقیقت طلبی ، راستی و آزاداندیشی را بر افراد شهادت . بین این دو جبهه همتضاد و متخاصل هیچ گونه مصالحتی آمان پذیر نیست و مرد ایران تا پیروزی شهادت و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به مبارزات دمکراتیک خود برای برقراری صلح ، آزادی و ر دمکراسی اد ام خواهند دار . این است تضاد عمد هجاء معهاد ایران !

۵ - حزب توده و مسئله دشمن اصلی

پس از ۲۲ بهمن ۷۵ رهبران حزب توده در بیان درازاقامت در خارج از کشور ، از طرق مختلف وارد ایران شدند . اندک زمانی سپری نگردید که آنان با مستقرشدند ر

ایران به انتشار نشریه "نامه مرد هپرد اختند. وشعار" امیریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران" را بعنوان شعار اساسی مطرح نمودند، بطوریکه این شعار همواره "زینت بخش" صفحات اول نشریات گوناگون حزب تود هگردید. هدف رهبری حزب تود این بود که شماره مزبور بعنوان یک شعار استراتژیک کلیه روابط، فعالیتها، طرز تفکر و سبک کار حزب تود در اتحاد الشعاع قرار دهد. تابتواند در قدر مهابیت بعدی درستراست راجه ایران مطرح شد و در تعیین سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی مورد بهره برداری واقع گردید و مسیر سیاسی کشور را تعیین کرد. بدین ترتیب برطبق این ارزیابی رهبران حزب تود، "دشمن اصلی" مشخص شد بود و بدین وسیله هر آن دشمن را شناسید و برخوردی میتوانست مورد "سنجهش" قرار گیرد تا از این رید گاه درست و دشمن از هم متمایز گردند. کلیه فعالیتها، نظریات و موضعگیریهای حزب تود ایران در هفت سال گذشت هم تحت لواز این شعار انجام گرفته است. رهبری حزب تود برای برگشتن شاندن شعار فوق فعالیتهای راهنمادران خود را در دو بخش عمد و جد اگاهه تمثیل کرده: بخش اول: شامل رژیم جمهوری اسلامی و کلیه ارگانهای آن بود و بخش دوم کلیه مسامنها ای سیاسی مختلف مانند: حزب دمکرات کردستان، مجاهدین خلق، چریکهای فدایی، سازمان پیکار، رزم‌ندهان، راهکارگر و... وجبهه‌هایی، حزب ایران، گروه فرقان و... را در بر میگرفت.

البته بررسی صحیح و همه جانبه چگونگی تاثیر ایدئولوژیک و فعالیتهای حزب تود و القای شعار آمیریالیسم آمریکا دشمن اصلی مرد ایران درجا معمبد ون توجه به موضعگیریها و عملکرد های این حزب در ۴ سال گذشته ویخصوص دیری تبعید خمینی در رسال ۱۳۴۲ به ترکیه و عراق و همچنین ورود وی به پاریس در ۱۰ مهرماه ۵۷، امری ناقص و سطحی خواهد بود. اما با پوشح میتوان درید که پس از زور و آقای خمینی به پاریس نیروها و عناصر گوناگون و ناهمگونی وی را احاطه نمودند و هر کد امپلطا یاف الحیل کوشیدند تا خود را به آیت الله خمینی نزد یکتر کرد و اوراحت نفوذ خود قرار دهند. یکی از نیروهای عمد در کارآقای خمینی عالمین مخفی و مجرب حزب تود ایران بود. البته مبارز مسرسختانه بین نیروهای مختلف فشار دیگر کارآقای خمینی، پس از آمدن وی به ایران شکل نو وجود یافت. نیروهای عسکریانه گسترده تری یافت - در این میان جناح طرفداران آقای بازرگان،

یزدی و قطب زاده در موقعیت بهتری قرار داشته و به آقای خمینی نزد پیکر بودند. به مین ر لیل آنان پس از ایجاد رولت وقت ازیار پیروزی سرمایست شد مبدوند و در آن اوان به چوچه نمیتوانستند کوچکترین تردیدی در اراده حیات سیاسی خود - تحت رهبری آیت الله خمینی - را استمباشند. اما آنان بزوری بوسیله جناحهای مخالف تحت رهبری تئوری‌سینهای حزب توده از سریر قدرت بزیرکشیدند.

حزب توده ایران توانست با مهارت بتفشکل مخفی و فشرد هاشمی‌خان خطاطمپراخته اشغال سفارت آمریکا را در ۱۳ آبان ۸۰ فراهم آورد. کمیته مرکزی حزب توده ایران در همان روز راعلاع میهای تحت عنوان "حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تائید میکند..."، ابراز داشت: "خشمندتر مرد ایران از امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی واقعی مرد ایران روز ۱۳ آبان ۰۰ بهوج خود رسید. ۰۰۰ مایکل ویکسلر، همفکر و همقدم، با مردم، مرد میکدهم پیروی از مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در خیابانها فریاد میزنند پیروزی نهائی، اخراج آمریکائی، معتقد یم که تنها پاسخ قاطع و ضروریه امپریالیسم آمریکا، مبارزه متحده برای ریشه‌کن ساختن امپریالیسم، بسرکردگی امریکا از ایران عزیز ماست...".

با اشغال سفارت آمریکا، دستگیری گروگانها و سقوط رولت بازگان حزب توده ایران توانست شعار دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا را بکرسی بنشاند و مسیر سیاستی رویدادهای آینده را بطور کل تعیین نماید و رویدادهای بعدی در ایران را - از جمله جنگ ایران و عراق - تحت الشعاع قرار دهد. حال بینیمی‌نقش رهبران حزب توده در رابطه با خشود و میعنی نیروهای سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی به جهنه‌خوبی بوده است؟ با کمال تأسف باید ابراز کرد که در جنبش چپ و درین نیروهای دمکراتیک و مخالف رژیم جمهوری اسلامی، انگشت شمار بودند آن سازمانها، گروهها و اشخاصی که از همان ابتداء متوجه شعارهای عوام فریانه حزب توده ایران شدند. بجز محدودی از گروههای سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی اکثر سازمانها و نیروهای سیاسی چپ و مکرات تحت تاثیر و نفوذ ایدئولوژیک حزب توده مقارگرفتند. بطوریکه این تاثیر ایدئولوژیک چون چتری آنان را رزیسایه خود گرفت و شعار "امپریالیسم آمریکا را شمن

نها

اصلی مردم ایران "بعنوان شمار اساسی و تعیین کنند ها ز جانب اکثر قریب به اتفاق سازما گروهها و اشخاص پذیرفته شد . حزب تود هایران در عین حال توانست از همان ابتدا به علت عد موضعگیری و هوشیاری سازمانها و گروهها مخالف بد رون آنان رخنه کرد ه و در در رون تشکیلات و در سطح رهبری با اظرافت تمام خطوط خود را پیاده کند . رهبری حزب تود همچنین با برنامهای حساب شد در ایجاد برخی از سازمانها و گروهها انقضی اساسی بر عهد ه داشت . حزب تود ه تنی باتا مین کمکهای مالی در گسترش برخی از گروهها ، موجب رشد ناگهانی و غیر طبیعی آنان گردید تا بتواند خطوط سیاسی ، ایدئولوژیک ، تبلیغاتی خود را از طریق شان در جامعه پیاده کند . برخی دیگر را واد اشت ناباترور شخصیت های بانفوذ در رون رژیم اسلامی زمینه را برای رشد واستحکام خشیدن نیروها در "پیرو خط امام" فراهم آوردند . ترور برخی از شخصیت های مختلف در رون رژیم جمهوری اسلامی مانند ترور سرلشکر قره هنی ، - شخصی که با قاطعیت در مقابل حزب تود ه مخالفت میکرد و بیان موقعيت خاص خود میتوانست بطور موثر از فعالیت ها و گسترش شبکه طرفداران موسوم به "پیروان خط امام" بر هبری حزب تود ه جلوگیری کند - پیروزی بزرگی برای حزب تود ه ایران و "پیروان خط امام" محسوب میگردید . مسئولیت ترور سرلشکر قره هنی را گروه مخفی و کاملا ناشناخته فرقان بر عهد ه گرفت که قبل از چند اعلامیه می محظوظ رباره قران و اسلام در هیچ زمینه سیاسی اش را از آنان دیده نشد میبود . آنان به ترور های موفقیت آمیز شخصیت های دیگری نیز است یا زید ند که اکثر شان میتوانستند بطور موثر و رأیند ه از نفوذ و فعالیت های حزب تود ه و "پیروان خط امام" جلوگیری کنند . امامت تی بعد از اشغال سفارت آمریکا و سقوط دولت بازگان و مستحکم شدن مواضع "پیروان خط امام" دیگر احتیاجی به ترور های گروه "فرقان" که تا حد و دی مورد توجه ویگر جناح های مخالف قرار گرفته بود ، نبود . بدین ترتیب گروه "فرقان" ناگهان لورفت و کلیه تشکیلات و قریب به ۴ خانه تیمی در نقاط مختلف تهران همراه با مقادیر متناسبی ارز خارجی و سلاح های گوناگون کشف گردید و رهبری و اعضا یعنی دستگیر شدند . چندی سپری نشد ۴ ماه . که شخص گمنامی بنام گود رزی بعنوان رهبر گروه فرقان - در مطبوعات رژیم - معرفی شد و از گاه اسلامی وی را محکوم به مرگ نمود . ولی مرد مهرگزا ز مفار موارد اتهام و

موضع ونظریات وی در زمینه‌های حساس مطلع نگردیدند. تنها او در مصاحبه‌ای با خبرنگاران مخفی وید و اسپهبرخی از سوالات اینچنین پاسخ را دارد:

خبرنگار: ریشه مخالفت شما از چه ناشی شد؟

گودرزی: این رژیم (دولت بازرگان) مدعاویست که رژیعی است اسلامی، در حالیکه سرد مداران این رژیم روحانیت که امروز به عنوان هسته مرکزی واصلی تصمیم‌گیری این رژیم مطرح هستند، بنظر ما هیچ پایگاه اسلامی ندارند. یعنی یک قشر، یک طبقه، یک باند هرجه که اسمش را بگذارید هستند، که بدروغ مدعی در انحصار اشتن شناخت اسلامی شده... (۱۴)

خبرنگار: میخواستم ببینم که چه رژیعی را در دنیا بر سمت می‌شناسید؟

گودرزی: گلیمی و کوباین اینها از نظر رژیمهای ملی و نهضتی دارند خوب هستند. (۱۵) خوانند معزیز از این موضع گیری‌های چهنتیجه‌ای می‌توانند بگیرد؟ البته مردم هرگز نباید منابع و کمکهای مالی فراوانی که گروه "فرقان" دریافت را شناخته از کجاتامین شد. بوده. ۶، ۵، ۶ نفر بقول آقای گودرزی گرد هم جمع شدند و ناگهان با برخورد اربون از امکانات مالی فراوان ردهای خانه‌تیمی تشکیل دارند و بمثواز فرارادی چون قره‌منی و ۰۰۰ برد اختند. مصاحبه‌گران ناشناس حتی یک سوال نیز بپیرا مون دلیل و نحوه جرای ترورهای انجام شده از جانب گروه "فرقان" مطرح ننمودند. آنان نباید سیاستی داشتند که همچه دلیل قره‌منی را ترور کردند؟ سایر اعضای دستگیر شده گروه فرقان چه کسانی بودند؟ چرا آنان معرفی نشدند؟ آیا خوانند ماند یشمند می‌توانند بداین پرسش‌ها جواب گوید؟

اما یک امریکا نیست و آن اینست که خطوط کلی فکری آقایان گروه "فرقان" همان خطوط و موضع "پیروان خط امام" بود. ولی همانگونه که "دانشجویان مخفی و ناشناخته" "پیروان خط امام" اکثر اینها مانندند و نامشان هرگز آشکار نگردید. ویس از اشغال سفارت آمریکا و ایفا نیز خود روانه جبهه‌های "جنگ میهن" شدند و بسیاری بطور ناگهانی و دست جمعی در جبهه‌ها از بین رفتند، رهبری "فرقان" نیز مدت‌ها قبل از آن پس از این جرای وظایف محوله در مقابل جوخه‌آتش قرار گرفت. گروه "فرقان" به رهبری

گود رزی و سایر اعضای دستگیر شد می نامو نشان ، آگاهانه و پیانا آگاهانه قربانی و وسیله ای برای بهان جام رسیدن اهداف معین "پیروان خط امام" شد مبودند . والبته حزب تسوده ایران بعنوان یک حزب به اصطلاح سیاسی و معتقد به مارکسیسم - ایدئولوژیک نمیتوانست کوچکترین ارتباطی با یک گروه تروریستی مانند "فرقان" داشته باشد !

بررسی و توجه در قیق به نقش عطی و سیاسی گروههای چون "فرقان" و چگونگی بوجود آمدن واژین رفتن آنها (البته از این قبیل گروههای دسته ها کم نبودند) و اینکه فعالیت های آنان تحت لوای کدام شعار و رخدت کدام ایمیک از جریانات سیاسی و جناح های رژیم اسلامی قرار گرفت ، از آن جهت حائز اهمیت است که میتواند کمک فراوانی به مدار رشنا صحیح ارتضادهای درونی جامعه ایران بنماید .

البته یک از اهداف حزب توده در طرح شعار "امپریالیسم آمریکا در شمن اصلی مردم ایران" و بردن آن به میان چپ این بود که نیروهای چپ را تحت نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی خود قرار دهد تا از رشد مبارزات ورشد آگاهی های هزار جوانی که در جستجوی راه برای تحقق آرمانهای دمکراتیک و آزادی خواهانه و خدمت به مردم مستمدیده ایران از هیچ جانفشانی و تلاشی در بیرون نمینمودند ، جلوگیری کند . به این دلیل رهبران حزب توده کلیه گروههای سیاسی مختلف را بارگفت زیر نظر قرار دادند و با ایجاد تشکیلاتی جد آگاهانه از همان اوان برنا مه منظمی برای رخنه و نفوذ در بین گروههای متفرق و دمکراتیک را تدارک دیدند . آنان کارهای پر تجربه و ناشناخته را برای اجرای این امر مامور کردند . البته کلیه سازمانها و گروههای که از مواضع روشن و صریحی در مقابل خطوط ایدئولوژیک - سیاسی حزب توده می خورد ارتبکند و رهبران آن هوشیاری و تجربه لازم راند اشتند و خود را آماد چنین تهبا جمی نکرد مبود ند ، بزودی و پراحتی ماموران نفوذی توده ای که برای پیوستن به سازمانها ایشان بیتابی میکردند را بآغوش باز پذیرفتند . در عین حال نباید این امر افرماوش کرد که برخی از سازمانهای متفرقی و دمکراتیک به علت راشتن نقاط ضعف ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی ، از مدتها قبل ، حتی از زمان ایجاد هسته مرکزی تشکیلات و سازمان از وجود عاملین و طرفداران حزب توده می بھرنمیودند .

اگرخوانند هایین سطور را توجه مسخنان نگارند - که بر اساس تجربیات عینی ، تلخ و طولانی چندین رهبری از رفقا ، درستان و عزیزان از دست رفته و از دست نرفته ، کسب شده - نظری بر تاریخچه هفت ساله سازمانها و گروههای گوناگون بیگنکد ، مطمئنا میتواند نمونه های فراوانی را در موادر ذکر شد میرشمارد . برای مثال میتوان پرسید بدلا یعنی اساسی انشعابات گوناگون در سازمانهای مختلف چه مبود است ؟ چرا برخی از سازمانهای رشرایط بحران ناگهان از هم پاشیدند ؟ چرا بسیاری از سازمانهای گروههای تبعیت از حزب تود معلم " امریکا " میریالیم آمریکا در شمن اصلی میدام ایران " رادیو لوحه نشریه خود قراردادند ؟ چرا در سازمان چریکهای فدائی خلق انشعاب برخی از عامل اساسی این انشعاب چه مبود ؟ آیا رهبران " اکریت " از همان ابتداد ارادی خطوط و تفکر غلط و انحرافی نبودند ؟ آیا در رمیان آنان میتوان کسی را پیدا کرد که از ابتداد ای فعالیت به عنوان نماینده حزب تود به بعد رون سازمان چریکهای فدائی رخنه کرد مباشد ؟ سازمان پیکار را زادی طبقه کارگر چطور ؟ چرا سازمان پیکار متلاشی شد ؟ چه کسانی در رون سازمان سسئولیت اصلی این تلاشی را بعهد دارند ؟ چه کسانی در رون سازمان پیکار موجب لورفتند واعد ام برخی از سه ترین واژخود گذشت هم ترین مبارزین شدند ؟ آیا این امتصاد فی بود که یک سازمان مترقبی دقيقا همان شعار حزب تود را بعنوان شعار محوری سازمان د رصفحه اول نشریه خود قرار دهد ؟ سازمان پیکار در مورد اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری چه موضعی را اتخاذ نمود ؟ آیا امریکا میسرم آمریکا برای توهم تود هم از است به اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری زد مبود ؟ در این میان نقش افرادی مانند حسین روحانی بعنوان تئوریسین و نویسنده بسیاری از مقالات و جزو های تئوریک سازمان پیکار چه مبود ؟ در هنگامیکه گروه ، گروه از هوا در اران واعضای سازمان پیکار لورفتند و ستگیر شدند ، و در زیرشکجهای در ژخیمان رژیم اسلامی مقاومت کردند و در مقابل جو خمهای آتش با مشت گره کرد هر زیم جنایت کار را به مبارزه طلبیدند و بیمان خود را بامزه مستمد ید های ایران تجدید کردند ، هنگامیکه خون پاک عزیزانی چون موزنی ها ، دانیالی ها ، ارزنگ رحیم زاده ها و . . . کهوفدار ارومصمم هرگز تسلیم نشدند ، برخاک میریخت آقایانی چون حسین روحانی چه کردند ؟ حسین روحانی در مصاحبه تلویزیونی در جواب به سوالات " رادستان

انقلاب اسلامی "گفت": طی بیست روز فاصله‌ای که بین مصاحبها ول ود و مبود، تغییراتی در زمینه‌تئوریک که باعث برخورد مجدد من با موضع سازمان شد درمن پیدا گردید... مهمنترین برخورد های عملی که رزندان با پاسداران و افراد مختلف که با آنها تماس داشتم روی من تاثیرگذشت و تبعاً مرا از خیلی از زنگرهای از زنگرهای اسلامی روزگردان نمودند... من به این نتیجه رسید ما مکه رژیم اسلامی یک رژیم مرد می‌ضد امپریالیستی و اسلامی است و تووصیه‌من به آنها (سایر اعضای زندانی پیکارکه تسلیمنشده بودند) اینست که از تور مهان برند و در کار آنها باشند... و در پایان مصاحبه خواهش کرد که با "امام امت" ملاقاتی داشته باشد...)

آقای حسین روحانی ویرخی دیگر از رهبران پیکارسازگی تمام اصول و اهدافی که اراد عالمیکردن به آن اعتقاد دارد را زیر پا گذاشت... اما برای چندین بار چنین نمایشنامه‌ها مضحک و ناراحت کننده‌ای می‌باشد تکرار گردید تا بتوان به ریشه‌ای این پدیده را در عالمیکردن حسین روحانی، پدیده غیر مترقبه‌ان نبود... سازمان پیکاریه تبعیت از حزب تود هشمار عمدت حزب را رمود "دشمن اصلی" پذیرفتند... بنابراین بسیار طبیعی بود که برخلاف جنگ زرگری با "رهبری حزب تود" افرادی مانند حسین روحانی برای پیاره کردن خطوط و انتحرافی و غلط درباره مسیاری از مسائل ایران در رهبری پیکار جای گیرند و همان سخنانی را در مصائب تلویزیونی در تائید امامو اسلام و "انقلاب اسلامی" ابراز کنند که رهبران حزب تود هجده سال بعد در رهبری مارکسیسم و طرفداری از "انقلاب اسلامی" در "دارگاه‌های انقلاب" و مصاحبه‌های تلویزیونی بیان کردند.

بعنوان نتیجه‌گیری در این بخش باید یار آوری کرد که رهبران حزب تود هرگز توانستند بطور مستقل بر اساس اوضاع مشخص و واقعیت‌های جامعه ایران به شناختن دشمن اصلی و واقعی مردم ایران بپرسد... آنان به مسئله تضادهای عمدت در رونی در جامعه ایران توجه نکردند... تمام هم‌و فم آقایان رهبران حزب تود هم‌معطوف به ارزیابی یکجانبه و یکسره شد از روایت جهانی و توجه به تضادهای خارجی و بین المللی گردید و آنان کوشش نمودند این امر را به جامعه ایران تزریق کنند... اینست که خود نیز بازیچه همان عوامل و تضادهای

خارجی قرار گرفتند . و در کشاکش ره رهنگا میکه وظایف خود را انجام دارند و مانند ساقی به وجود شان چند ان احتیاجی نبود، یکباره دستگیر شدند و روانه زندانها همان رژیمی گشتند که خود را بوجود آوردند ، تثبیت ورشد آن ، آنهمه تلاش و کوشش مبذول داشته بودند .

۵ - دشمن اصلی و موضع ضد و نقیض مجاهدین

یک دیگر از سازمانهایی که نقش فراوانی را در روی کار آمدن را درآورد داشته است ، سازمان مجاهدین خلق میباشد . سازمان مجاهدین بن با وجود آنکه در شرایط کنونی یکی از نیروهای اپوزیسیون بشمار میرود ، بعلت حمایت همه جانبه خود در استقرار را درآورد ۱۰ مانند بسیاری دیگر از نیروها ، قادر نیست در برابر روابط و مشکلات بیشمار موجود نظر صلحیح ، علمی و روشی ارائه دهد و در حل آنها بکوشد . بدین ترتیب سازمان مجاهدین اجبارا در مسیری گامبر میدارد که بعنوان یکی از غیرد مکراتیک ترین و انحصار طلبانه ترین نیروها شناخته میشود . و این امر واقعاً مایه تاسف فراوان میباشد . اما باید واقع بین بود و این حقیقت راباتما مطلع اش پذیرفت . البته میتوان مانند برخی از هبران کوتمیس و جامطلب اپوزیسیون - در حالیکه سازمانهای عربی و طویل شان را کسانی میگردانند که سوابق و موضع مشخصی در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی داشته اند - حکم صادر رکد و ابراز نمود : کیه آنکسانی که در ایجاد و تثبیت رژیم اسلامی در خالت را داشته اند تا ابد محکوم میباشند . بنظر ما اگر سازمان مجاهدین - مانند هرنیروی - بخواهد در مسیر صحیح مبارزات را مکراتیک کنونی گامبردارد ، میبایست در اولین قدم بمنقد صریح و روشی از خطاهای گذشته - در حمایت بی چون و چرا از انقلاب اسلامی - بپرسد ازد . در غیر اینصورت بدست خود ، خود را محکوم میکند تا باد نیایی تزویر وی اعتمایی به گذشته نه چندان در ور کوشش کند آن همه سخنانیها ، نوشته ها ، اعلامیه ها و سخنان آتشین در

وصف امام خمینی "و انقلاب اسلامی" را بفراموشی سپارد و کلیه جزوات و آثار باقیماند مرا از جلوی چشم مرد مد ورکرد و بجهة زال الدن بریزد و بگونه‌ای رفتار کند که گویا اصلاً چنین گذشته وجود نداشت . یا اگر وجود را شتمه توجیه آن بپرسید از د

رژیم جمهوری اسلامی حکومتی است که برآسان فاشیسم مذکوه بعنی روابط عیقاً ضد ر مکراتیک و ضد آزاد یخواهانه و ضد مرد می‌بود و دروند رشد و تثبیت هفت ساله هر روز بیش از گذشتمنقا باز چهره و ماهیت واقعی خود برداشته است . بنابراین اگر مجاهدین خلق بخواهند با رژیم کمسبل واقعی روابط ضد ر مکراتیک و ضد مرد می‌بودند بطور صحیح مبارزه کنند ، می‌بایست با روابط غیر مکراتیک و انحصار طلبانه در درون سازمان خود نیز بهم مبارزه ای بین امان روی آورشوند والزا ماباید به گذشتنه سراپا اشتباه آمیزد رحمایت و تثبیت رژیم اسلامی برخوردی همه جانبه وجود داشته باشند . ممکن است پرسیده شود آیا برخی از نیروهای اپوزیسیون مانند سلطنت طلبان و مجاهدین که روابط ر مکراتیک را در درون تشکیلات خود نفی کرد و اعلاء کورکرانه و روابط فئودالی و شخصی را تجویز می‌کنند ، میتوانند با حفظ چنین روابطی بر علیه رج . ۱۰ بعنوان دشمن اصلی مرد ایران بطور موثر و سازنده مبارزه کنند ؟ واژه‌رفق آیاتلاشها و جانشانیها یشان آنان را در صفحه آزاد یخواهان و نیروهای ر مکراتیک قرار خواهد داد ؟ در جواب به این پرسش‌ها باید گفت : خیر ! با وجود اینکه اپوزیسیون ناهمگون وی د رویکری شامل کلیه نیروهای است که برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش می‌کنند ، اما این امر از اما آنان را در صفحه آزاد یخواهان ایران قرار نمیدهد . زیرا همان گونه که روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی باعث نگردید تاریخ ایران حکم‌فرماگزیر ، مبارزات نیروهایی چون مجاهدین خلق بر علیه رج . ۱۰ - و در صورت پیروزی - با وجود لطمیات و فربانیهای فراوان موجب برقراری ر مکراسی و آزادی در ایران نخواهد شد . میگویند : " سالی که نکوست از سهارش پید است . " اگر مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت " به قهرمانانه ترین مبارزات بر علیه رژیم اسلامی مبارزت ورزند و رج . ۱۰ را در شمن اصلی مردم ایران خوانند ، اما روابط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی خود را برآسان انحصار طلبی‌ها و برخورد های غیر مکراتیک اراده هند و دست را بر مبارزات کلیه نیروهایی

که به زیر چتر "د ولت جمهوری د مکراتیک اسلامی" آنها نرفته‌اند، بزنند، غیرممکن است بتوانند کوچکترین قدیمی د راه استقرار د مکراسی د رایران برد ارند. آنان از هم‌اکنون در خارج از کشورهای نوع د یکاتوری مذہبی کوچک روی آورشده‌اند. آنان در رون و بروون تشکیلات خود به نقض ابتدائی ترین اصول د مکراتیک پرداخته و افراد و نیروهای خود را با شیوه‌های منسخ و بر ملاشدۀ تحت کنترل شدید قرارداده و حقیقی هوار اران خود را از بحث و گفتگو با سایر نیروهای اپوزیسیون بازداشته‌اند. اما برخورد های انخصار طلبانه مجاہدین خلق و شورای ملی مقاومت موجب گردید که در روز و پیش از مشکلات و مسايل و آزمایش‌های گوناگون به موضعگیریهای ضد و نقیضی روی آورشوند. توجه خوانندگان گرامی رایه‌یک نمونه‌بارز د راین رابطه جلب می‌نماییم:

مجاہدین خلق و شورای ملی مقاومت در بین د رگریهای وجنه‌گ برای رکشی د رکرد ستان بین د نیروی رزمند یعنی حزب د مکرات کرد ستان ایران و کومنله د راطلاعیه‌ای می‌نویسند: "شورای ملی مقاومت یکاره یگرایا ابراز تاسف عمیق، د رگریهای خونین و مکرمیان حزب د مکرات کرد ستان ایران و کومنله را تقبیح واکید ا محکوم مینماید . . . چنین است که در رگریهای خونین گروهی د رکرد ستان از یکسوتا شر عمیق و لسردی مرد مژهمتکش کرد و از سوی د یگرشاری د شمن اصلی تما مرد ما ایران - یعنی د یکاتوری ارتجاعی خمینی که ن تقدیقا خواستار چنین د رگریهای است - را برانگیخته است." (۱۲) تاکید آزماست این موضعگیری صحیح بر استنی صریحت و خوشحالی آزادیخواهان ایران را فراهم آورد. بخصوص پس از مشخص کردن د شمن اصلی - رژیم جمهوری اسلامی - به مطرفین د رگریهای توصیه شد مبود که همه تفنگهای را می‌باشد بسیوی رژیم خمینی نشانه‌رونده و برای جلوگیری از اراده رگریهای ابه روش‌های مسالمت آمیزود مکراتیک روی آورگردند و به تمامی برخورد های غیرد مکراتیک خاتمه‌هند. بر استنی چه عواملی موجب شد مبود که مجاہدین و شورای ملی مقاومت در برابره حل مسائل از طریق مسالمت آمیزود مکراتیک سخن بگویند؟ آیا اسلام راستین مجاہدین معجزه‌ای آفرید مبود؟ اما متسافانه‌ای مسالمت طولی نپائید. بطوريکه یک هفت مبعد آقایان رهبری مجاہدین خلق ناگهان با "وقوع انقلاب عظیم اید ئولوژیک" و "انقلاب د مکراتیک نوین خلق" "ازد واج مقدس و پریرکت" د رمajaهـد شماره ۲۵۰ کلیه

سازمانها و گروهها و نیروهای مخالف را در مطلبی تحت عنوان "جهنم‌نا متحد ارتقا ع و ضد انقلاب . . . متحدین عینی ارتقا ع حاکم . . . " بیار فحش و ناسزاگرفتند و انتقادات کلیه نیروهای اپوزیسیون را "ارا جیف رزیلانه و ضد انقلابی" جسم‌نا متحد ارتقا ع و ضد انقلاب بر علیه انقلاب ایدئولوژیک مجاهدین "نامید" و درباره کومله - کومله‌ای که یک هفت‌ماهی مورد نصیحت‌های دمکراتیک آقایان رهبری مجاهدین قرار گرفته بود مینویسد: "اباطیل یک سکت (جریان پرت افتاده) عشیرتی که نا محزب کمونیست برخود نهاده است، اما بنظر می‌رسد که از در رک معنی و تعریف علمی "حزب" فرستنگها افاضله دارد . این جماعت تا حال کمتر فرق‌مند را برای موضوع‌گیری بر علیه مجاهدین و انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران در راستای منافع رژیم خمینی، از دست را داشت . اماد رعین حال دعا وی انقلابی نمائی مضحك و بی‌دل آن‌گوش فلک را کریمکند . "بتوهینها و فحش‌های دیگر" انقلابی مجاهدین به یک سازمانها، گروهها و نیروهای مختلف اپوزیسیون اشاره نمی‌کنیم . پرسش ما از آقایان رهبری مجاهدین اینست که اگر کومله "ضد انقلابی" است چرا یک هفت‌ماهیش از "ضد انقلاب" خواسته بود ید تابه روش‌های مسالمت آمیزد دمکراتیک روی آورد و تفنگها پشت را بسوی رژیم خمینی نشانه کند؟ از نیروهای "ضد انقلابی" که نمی‌توان انتظار داشت دمکرا باشند! براستی شما که اعتقاد دارید و نوشت‌های دید کومله و سایر سازمانها آزار بخواه و مترقب اپوزیسیون ایران همگی "ضد انقلابی" هستند و "ضد انقلاب" مسلمان شمن "انقلاب" است چرا به نبرد مسلحان بر علیه آنان اقدام نمی‌ورزید؟ و در اینجا بین د نیروی "ضد انقلابی" یکی ضد انقلاب را خلودیگری "ضد انقلاب" اپوزیسیون که ماهیت باقول شما بین آنان فرقی وجود ندارد، چرا از شمن اصلی "سخن میراند؟"

سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت در تینگنای تناقضات آشکار و حیرت آوری قدر گرفته و مرزبین د وست و شمن را مخدوش نموده است، بطوریکه بروشنی ماهیت واقعی برخورد های ضد دمکراتیک، شعار گونه وعوا مفریبانه خود را عین نموده است . بدین سبب موضوع‌گیری سازمان مجاهدین در رمود "شمن اصلی مردم ایران" صادر قانه نیست . هر نیرویی در رصف اپوزیسیون ایران کوچک‌ترین انتقادی به ایدئولوژی التقاطی مجاهدین و مسئله‌دار غامدین و سیاست و روش‌های سراپا غلط، شعار گونه و عاریت گرفته از "انقلاب

فرهنگی "چین کد ، فورا بارچسب " ضد انقلابی " ، "ارتجاعی " مورد پیوش آقایان رهبران مجاہدین قرار میگیرد . هدف مجاہدین وشورای ملی مقاومت اینست که با چماق بر جسب همگان را وار ارکنند تا بزور هم کشنده "آلترناتیو د مکراتیک " و "جمهوری د مکراتیک اسلامی " آنان را بپذیرند ، یا محکوم گردند که در "جبهه نا متحد ارجاع و ضد انقلاب " قرار گیرند . بیمه ود هنیست که میگویند : " در تحلیل نهائی نیروهای سیاسی در گیرد راین انقلاب ، اساسا برگرد یکی از این د ومحور : یا " مجاہدین " و یا " رژیم خمینی " مشکل شده اند و چگونگی رابطه ها وکنش و واکنش های سیاسی هرنیرو در قبال این د وقطه ب جدی ترین پارامتر رای جایگاه سیاسی آن در مقطع کوتی تاریخ ایران بشمار میروند . (۱۸) اما با تمام این واقعیت ها و انتقام ات مشخصی کم به مجاہدین وشورای ملی مقاومت وارد است آیا مانند برخی از نیروهای اپوزیسیون که رک صحیحی از سئله دشمن اصلی ند ارند میتوان گفت که آنان " ضد انقلابی " ، " خائن " و یا " ارجاعی " هستند ؟ خیر ! آزاد یخواهان ایران برخلاف رهبران سازمان مجاہدین وشورای ملی مقاومت بهاین امر مباررت نمیورزند . مجاہدین وشورای ملی مقاومت در رصف اپوزیسیون ایران ود رمقابل روج ۱۰ یعنی دشمن اصلی مرد ایران قرار دارند . اما درست بهمین دلیل است که بار قت بیشتری میباشد روابط و مواضع ضد و نقیض واشتباه آمیز آنان را مورد نقد و بررسی عمده جایده قرار دارد . حال بینگ ارمجاہدین با هزار و پیک نخش ما وکلین نیروهای اپوزیسیون را بارچسب ارجاعی ، ضد انقلابی ، لیبرالی و اپورتونیست محکوم کنند .

و - دشمن اصلی و درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

برای ایجاد وار امهیک جنگ یار رگیری وجود د ونیروهای وحریف متخاصل ضروری و لازم است . در سراسر طول تاریخ جنگها و مخاصمات بین نیروهای مخالف همواره د وطرف رگیر وجود داشته است و هنگامیکه یکی از طرفین بدلا یافی - شکست د رجنگ ، عقب نشینی

در مقابل حریف قویتر و نهادن به فرامات و یار و پوشدن با دشمن مشترک - از جنگ رست کشیده، درگیریها متوقف شد است. جنگ برای رکش در کردستان بین حزب دمکرات کردستان و کومله نیز از این قاعد مستثنی نیست. مسئله اساسی اینست که هردو نیروهای رگیریهای خصم‌انه وادامه‌آن شرکت ندارند. البته اکنون پس از سپری شدن زمان آشکارشدن مواضع ایدئولوژیک - سیاسی هر دو نیرو و رباره این جنگ خانگ و عبث میتوان به ارزیابی مقایسه عادلانه پرداخت. اما در شرایطی که حزب دمکرات کردستان و کومله هیچ‌کدام احاطه نیستند کوچکترین تخفیف در مواضع خود بد هنده درگیریهای خونین اراده ارد و رژیم جمهوری اسلامی از این دو رگیریهای بهترین بهره‌برداری میکند. هنگامیکه حزب دمکرات میگوید تا کومله‌وی را یک نیروی اصلی و انقلابی نشاند بهیچ‌گونه مذاکره و آتش بسی تن در نخواهد دارد و کومله‌نیز از این راه "تنها راه انقلابی برای خاتمه این به جنگ جاری عبارت است از: شکست سیاستها و اهداف سیاسی ضد انقلابی حزب دمکرات از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری." (۱۹) چگونه میتوان به رگیریها دشمن پسند انه خاتمه دارد؟ آیا میتوان با تعریض مسلحانه "حزب دمکرات را وار ار به قبول آتش بس و خاتمه جنگ نمود؟ بعقیده ما این شیوه برخورد تنها موجب گسترش هر چه بیشتر جنگ ناخواسته در بین مردم کردستان میگردد و ادامه‌آن تهدید یدی جدی برای مبارزات دمکراتیک برعلیه دشمن اصلی مردم ایران میباشد.

بطور کل سه راه ممکن واجتناب ناپذیر پیش روی حزب دمکرات و کومله وجود دارد:

- ۱- آتش بس و ختم جنگ و اعلام مذاکرات صلح آمیز و آشتی جویانه از طرف دونیرو و دو رگیر
- ۲- اراده جنگ ورشد هرچه بیشتر د رگیریه از طریق بسط و گسترش عملیات تلافی جویانه
- ۳- اعلام آتش بس یک جانبه، عقب نشینی و امتناع اکید از هر نوع د رگیری و عطیات تلافی جویانه از جانب یکی از طرفهای د رگیر.

اما همانگونه که میدانیم در حالیکه در شرایط کنونی حزب دمکرات به قبول آتش بس بد ون قید و شرط و خاتمه جنگ تن در ندارد، اجرای راه حل اول نمیتواند جامعه عمل بخود بپوشاند. راه حل د و منیز یا گسترش عملیات تلافی جویانه موجب رشد هرچه بیشتر د رگیریها شده و با اراده رگیریهای انتقام جویانه روز بروز آتش جنگ شعله ور تر میگردد و نمیتوان افق

پیک آتش بس و ختم جنگ و اعلام مذاکرات آشتی جویانه را پیش بینی نمود . بنابراین تنها یک راه باقی میماند و آن اینکه کومله قدر همپیش نهاد و بی اعلام آتش بس یک جانبه را مسومرا انتخاب کرد و در عمل به مرد مکر استان و سایر نقاط ایران نشان دهد که با وجود اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک با حزب دمکرات، دشمن اصلی مرد ایران رژیم جمهوری اسلامی است و بعلت مبارزه باشد شمن مشترک ازعیمات تلافی جویانه و ایجاد درگیریها ای بیشتر با حزب دمکرات بکلی اجتناب خواهد کرد . حتی اگر این امر موجب وارد شدن لطمات و ضرباتی از جانب حزب دمکرات گردد . مرد مقهرمان کردستان و سایر نقاط ایران هوشیارند و در عمل مشاهد همیکنند که مسئولیت اراده این درگیریها از جانب کیست ؟ در چنین شرایطی اگر کومله بار وراند یشی و قاطعیت تمام هم و غم خود را متوجه جرای این امر اساسی کند قهرمان مبارزات آزادی خواهانه ایران خواهد شد . بخصوص در در وران سخت و تاریک کونی که اپوزیسیون ناهمگون و از همگسته نتوانسته است اقدامی اساسی بر علیه روج ۱۰ انجام دهد ، این عمل بزرگترین خدمت را به آزادی ایران و مبارزات دمکراتیک خواهد کرد . اما اگر کومله ویا حزب دمکرات در امداد رگیریها - بهره دلیل و بهانه ای - بکوشند ، مسلما در مبارزات آزادی خواهانه ریشیگاه مرد مستمد ید ایران مسئول خواهند بود و هرگونه اعتبار و منزلتی که تاکنون در مبارزه بر علیه روج ۱۰ کسب کرد هاند ، را از دست خواهند داد . درواقع تاریخ هر دنی و سرروی عمد در کردستان را به آزمایش گرفته است . آیا حزب دمکرات و کومله از بدهای آزمایش سرنوشت ساز سریلنگ بیرون خواهند آمد ؟ آیا برای آنان آزادی ایران و سرنگونی رژیم اسلامی در درجه اول از اهمیت قرار دارد یا منافع گروهی و سازمانی ؟

تاریخ در سهای بس گرانبهای برای آزادی خواهان ایران بهار مفان آورد هاست . کافی است نیم نگاهی به سیر رویداد های نه چند ان در و بی فکری تابی بریم که چگونه میتوان از مبارزات پیروزمند آن مرد مجاهان آموخت و به جنگ برادر رکشی در کردستان خاتمه داد . مخوبختانه در تاریخ دوچند بین الملل اول و دوم و همچنین انقلاب اکتب روییه و انقلاب چیز نمونه های ارزند های از ائتلاف و همکاری نیروها ای ناهمگون در مقابل مبارشمن مشترک وجود دارد . با بررسی سیر رویداد های میتوان ملاحظه نمود که چگونه نیروها ای متفرق و رهبران

جنشها در مکراتیک و مردمی با واقع بینی و دراند پیش مشکلات جبهه متحد را در مبارزات حق طلبانه و روپاروئی باد شمن اصلی حل نمودند . جنگ بین الملل اول و قرارداد صلح برست - لیتوفسک ، جنگ بین الملل د و موایجار جبهه ضد فاشیستی و همچنین جنگ داخلی چین فوق العاده آموزند هاست . بخصوص سیر تحولات و جنگهای داخلی در چین قبل و بعد از تجاوز و زوال شفال بخش وسیعی از کشور بوسیله امپریالیسم را بن و رهنمودهای صحیح رهبران انقلابی آن زمان در رجیان درجهت همکاری بانیروهای ارتقای وضد مردم چیانکا یچک و گومیند ان برای مقابله با شمن اصلی بسیار قابل توجه است . ما از آنجهت در باره منونه چین سخن میگوئیم که هر دو نیروی رژیم در رکرد سtan خود را چپ و متفرق میدانند و بالطبع میتوانند از مبارزات مارکسیست های کمپیروزشدند ، بایا آموزند . برای روشن نمودن مفهوم کلام توجه خوانند گان گرام رابهیک سند تاریخی جلب میکنیم :

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در تاریخ ۵ آژویه ۱۹۲۷ با درج اعلامیهای تحت عنوان " همکاری گمیند ان و کمونیستها " مینویسد :

" هموطنان عزیز "

حزب کمونیست چین بانهایت درجه شوروشوف خطاب به پدران ، مادران ، برادران و خواهران سرتاسر کشور عالم میدارد ما برای نجات ما میمین هنگامیکه کشور در مقابل بحرانهای فوق العاده جدی قرار گرفته و سرنوشت وی در خطر است ، با گمیند ان بر اساس صلح ، وحدت و مقاومت متحد در مقابل تجاوز خارجی به تفاہر سیدهای کمیر و هلی خود را دریک یگردد غام کیم ، تابت وانیم بدین وسیله به حل بحرانهای انشغل گردیم . این امر برای آیند هلت بزرگ چین حائز اهمیت فراوان است ! زیرا همان گونه که همه میدانیم روزهای هنگامیکه مدت مادر رمعرض خطر فوق العاده ای قرار دارد ، تنها از طریق وحدت داخلی است که ما میتوانیم تجاوز امپریالیستها را این را شکست دهیم . ماسیاست تشویق به قیام برای سرنگون کردن رژیم گمیند ان متوقف خواهیم کرد و جنبش شورائی کرد ن را موقوف و سیاست مصارعه زمینهای مالکان ارضی را تعطیل خواهیم نمود . ارشت سرخ اسلام و گرینش کنونی خود را تغییر خواهد دارد و یعنوان قسمتی از ارشت ملی - انقلابی شناخته خواهد شد و تحت نظر انتظامی دولت ملی برای دریافت فرمان برای حرکت بسوی

جبهه ضد زاپنی حاضرخواهد بود تا وظیفه اش را انجامد هد .*

باید یاد آوری کرد این اعلام مید شرایطی صادر رگردید که گمیند ان بر هبری چیان کایچک در علی . ۱ سال جنگ خونین را خلی به کشتار صد ها هزار تن از مرد و انقلابیون پرداخته بود . اما با وجود این واقعیتها - هنگام تجاوز امپریالیسم زاپن در ۱۹۳۳ رهبری صحیح حزب کمونیست چین بار وراندیشی و راهه خط مشی جبهه متحد ملی " در شمن درینها طی راوار ارمیکند که درست از سیاست جنگ را خلی بردارد ویراعله دشمن اصلی به خواستها ملت چین تن درد هد . در واقع حزب کمونیست چین نه تنها برخلاف میل باطنی چیان کایچک - بطوطی کجانبه از تعریض متقابل از ایجاد رگریهها با گمیند ان سریا زمینزد بلکه بار رایت تما گمیند ان را مجبور به تسلیم دیرا برخواسته ای مرد مچین و سیاستهای صحیح خود میکند . پیروزی انقلاب چین خود را لیل با رازوار زند های بر صحت سیاستهای رهبران شایسته و انقلابی مرد مچین بود . حال آیا نمیتوان از این تجربیات گرانبهای تاریخی آموخت ؟ آیا حزب رهبری امداد و مکرات و کوممله بعنوان دنیروی سیاسی که هر دنی و خود را مترقی و چپ میدانند ، نمیتوانند دست از مخاصمات خونین بکشند ؟ آیا اگر رصویر تیکی کی از آنها را راه امداد رگریهها و عملیات تلافی جویانه دشمن پسند اصرارورزد ، دیگری نمیتواند یک جانبه اعلام آتش بس از رگریهها جتناب ورزد و نیروها خود را بسوی جنگ بادشمن اصلی گسیل دارد ؟ آیا مارکسیستها انباید فوق العاده واقعیین و انعطاف پذیریا شنند و از تاریخ پند گیرند و از مسئولیتیهای خود روی گردان نشوند ؟ ممکن است برخی از دوستان و رفقا ابراز دارند که وضع کنونی در ایران بامارزات نیم قرن پیش فرق میکند و نخواهند از تاریخ آن د وران عمرت گیرند . اما مبارزات تاریخی بثابه علی است که نمیتوان از آن آموخت و در شرایط و اوضاع مشخص در حل مشکلات نامض از آن بهره مند گردید .

مبارزات پیچیده و فوق العاده هدیفی که در جبهه مظلومی و بیلاماتیک موجب استقرار یک دولت مردی ، مستقل و انقلابی در زیمبابوه گردید نیز با استفاده از همین علم موفق و پیروز گردید . تحت رهبری رابت موگابه و سازمان زانووزاپوتوانستند با ایجاد یک جبهه متحد و مبارزات هماهنگ اختلافات اید ئولوژیک - سیاسی رابکاری گذاشته و رژیم نژار پرست رود زیار اسرنگون کنند . تازیمبا و مستقل پا ب عرصه حیات گزارد . یک نمونه بسیار

زنده ملموس دیگر مها رزات مرد مکا میوج بر علیه تجاوز ۲۰۰ هزار سریا زوستنام و حکومت دست نشاند ویتنا مد رپنومین میباشد . در کامبوج سه نیروی کاملاً مختلف بر هبری سون سن (دست راستی افراطی) ، نور و مسیهانوک (ملی لیبرال) و خیوسا مfan (مارکسیست) در جبهه متحد کامپوچیایی دیگر ایجاد نیک د ولت اختلاف پرداختند . اتحاد این سه گروه کاملاً ناهمگون را در شرایط کنونی برای بیرون راندن قواستجا وزگرویتنام و سرنگون کردند ولت دست نشاند ، چگونه میتوان تفسیر نمود ؟ آیا اختلافات بین حزب دمکرات و کوممله عمیق ترازا اختلافات بین سه نیروی نامبرد در کامبوج است که توanstه اند در یک د ولت اختلافی و یک جبهه متحد بر علیه دشمن مشترک متحد گردند ؟ آیا این تجربه عین و ملموس برای حزب دمکرات و کوممله آموزنده نیست ؟

اید است در سازمان رزمند در رکد سtan متوجه مسئولیت های خطیب خود گردند و از تجربیات ذکر شد متأریخی پند گیرند و در مبارزه برای سرنگونی دشمن اصلی مردم ایران دست از مخاصمات و درگیریهای فرعی بکشند . در عین حال اگریکی از بیروهابهای این امر مبارزت نوزد بجاست نیروی دیگر قد مهپیش بگذارد و با استرد هترکردن مبارزات قهرمانانه بر علیه ۱۰ به مرد مکرد سtan و سایر نقاط ایران در عمل نشان دهد که تا چهاند از زه نسبت به انجام وظایف و مسئولیت های کنونی برای آزادی ایران جدی و مصمم است . مردم ایران در این در راه تاریک و سخت کوچکترین برخورد ها و نظرات شمارا با دقت زیر نظر دارند . بباید در راه پرافخار آزادی و مکاری ایران به درگیریهای خونین و جنگ برای رکشی خاتمه دهد . آن نیروی که شرافتمند انتظام هم و غم خود را معطوف به مبارزه دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی کند ، منجی ایران خواهد شد .

ز - سخن آخر

در این مبحث مابه چه تایجی دست یافته ایم ؟ مابه این نتیجه رسیده ایم که روش نگران و رهبران مادر اپوزیسیون به علت عدم تشخیص تضاد های عمد جامعه ایران نتوانسته اند

بروشنی د رباره د شمن اصلی مرد مایران موضعگیری کند و از این طریف روابط خود را با د شمن اصلی و وستان حقیقی تنظیم نمایند . بنابراین آنان نشریات رنگ خود را مزین به شعارهای گوناگون چون سرنگون بار رژیم جمهوری اسلامی " مرگ بر خمینی " ، " ایران هر کس خواهد مرد " مرگ بر خمینی شعار محوری گونی " و . . . مینمایند . اما از پیاره نمودن شعار د شمن اصلی مرد مایران رژیم جمهوری اسلامی ابار ارند . چرا ؟ زیرا اگر ب این شعار اعتقاد راشتباشند و بخواهند عمل آنرا پیاره کند در آنهمگام میتوانند در مورد مسائل ایران ، اپوزیسیون و جهان بطور صحیح برخور نمایند و خط فاصل روشنی بین د وستان واقعی و د شمن اصلی بکشند و همها را با یک چوب نرانند و اعمالی را تجاه ند هند کمپرد رگریسهای خونین و جنگ برادر رکشی بیانجامد . بنابراین در شرایطی که در اثر خطاهای روشنفکران و رهبران ، روحانی ایران را میران وطنی را اسیر نمود ، وظیفه فوری یکی ایک نیروهای مبارزو آزاد بخواهد راین است که بطور صریح و روشن کلیه تردیدها و تزلزلها و سخنان بی پایه وی محتوى را بد و رافکند و در مقابل د شمن اصلی مرد مایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی قاطعاً نه موضعگیری کند .

بگذاریم هارا بهد ف بزنیم ! بگذار از مخاصمات فرعی و غیر عمد پیرهیز کنیم ! بگذار برای آزادی ایران عزیز و ریند بسوی د شمن اصلی جنا یتکاره جوم وریم .

یادداشتها

- ۱- اسباب‌نیمه‌نهضت آزادی ۵ / ۰ / ۱۳۵۸
- ۲- کیهان ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۵۸
- ۳- اولین دستگیری آقای قطب زاده ۱۶۵ / ۸ / ۱۳۵۹
- ۴- اجتماع نهضت آزادی در امجد په ۸ / ۱۲ / ۱۳۵۹
- ۵- توقیف روزنامه میزان ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۰
- ۶- عزل آقای بنی صدر از فرماندهی کل قوات‌وسط خمینی ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۰
- ۷- بمب گذاری در مقبره حزب جمهوری ۴ / ۴ / ۱۳۶۰
- ۸- بمب گذاری در دفتر رجایی و باهنر و کشته شدن آنها ۸ / ۶ / ۱۳۶۰
- ۹- اعدام آقای قطب زاده ۲۵ / ۶ / ۱۳۶۱
- ۱۰- اعلامیه انجمان حجتیه ۱ / ۵ / ۱۳۶۲
- ۱۱- کیهان ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۲
- ۱۲- صبح آزادگان ۲ / ۲ / ۱۳۵۹
- ۱۳- اطلاعات ۳ / ۱۶ / ۱۳۶۲
- ۱۴- مصاحبه اختصاصی روزنامه آزادگان با رهبرگروه فرقان ۲۹ / ۲ / ۵۹
- ۱۵- جمهوری اسلامی ۸ / ۳ / ۵۹
- ۱۶- از مصاحبه تلویزیونی حسین روحانی به تاریخ ۱۵ / ۲ / ۶۱
- ۱۷- مجاهد شماره ۲۵، اطلاعیه شورای ملی مقاومت ۱۷ / ۳ / ۶۴
- ۱۸- مجاهد شماره ۲۵۲۵
- ۱۹- قطعنامه نهضت وسیع کمیته مرکزی کومندوس ریاره جنگ جاری میان حزب دمکرات و کومندوس تیرماه ۱۳۶۴

د شمن اصلی مردم ایران
کیست؟

۱- سردرگمی رهبران و روشنفکران

شاید خوانند معزیزا زتیراین مقاله‌کم تعجب کند و بیان دارد : این موضوع بقدرتی واضح است که هرکوک درستانی هم ممکن است به آن پاسخ گوید . بقول معروف "آنچه که بیان است چه حاجت به بیان است . " ولی با کمال تاسف باید از عان کرد که اکثر قریب به اتفاق رهبران و روشنفکران ما هنوز نتوانسته‌اند این مسئله‌بزرگ و اساسی را با صراحت و روشنی جواب دهند . براستن اگر رهبران و روشنفکران ما این موضوع مهم را بد رستی نشان دارند و همه‌میدانند دشمن اصلی مرد مایران کیست آیا اینهمه متشتت ، سردرگمی و چند دستگاهی غیراصولی و خصمانه‌ای که نیروهای آزاد یخواه‌با آن روپرسو هستند ، لا اقل تا حدودی کاهش نمی‌یافتد ؟ آیا آن انحرافی و نیروی که امروز ررا ااختلافاً وجود الها بیشمار فرعی و غیرعمد مهد ریگرد دارد ؟ بعلت آن نیست که دشمن اصلی را رهبران و روشنفکران ما شاید نمی‌شناسند و یافراموش کرد هاند ؟ آیا کمتر دارند که نیروهای مبارز و مخالف رژیم اسلامی بجای هدف قرار دارند و دشمن اصلی یک پیگر را مورد حمله قرار دارند و بدین ترتیب مرزبین دشمنان واقعی و دوستان حقیقی مرد هرا مخدوش نموده و دوست را بجای دشمن قلمدند از کرد هاند ؟ ما بآنونه‌های بیشماری از این تششت فکری و عد مرزبندی روشن بین دشمن اصلی و دوستان واقعی مرد مروپر و هستیم که آخرین آن درگیری بین حزب دمکرات کردستان و کومله (۱) می‌باشد . البته درگیری‌های نظامی بارها بیشتر حزب دمکرات کردستان و کومله رخدار که هر بار کلیه نیروهای آزاد یخواه را بسیار متاسف و آند و هنگین نموده و رژیم اسلامی و طرفدارانش را شاد و راضی کرد هاست . در این

میان سازمان مجاهدین خلق ایران با مطرح کردن شعار "مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله‌کنونی" دشمن اصلی را در فرد خمینی خلاصه میکند وی پنداشد که با مرگ وی عمر رژیم هبپایان خواهد رسید. در حالیکه آقای بنی صدر همزمان دودشمن - دولت عراق و رژیم جمهوری اسلامی را اصلی میشمارد و میگوید هزمان باید با هر دو و چندی. برخی دیگر دشمن اصلی را نهاده رد رون کشور بلکه رخارج از مرازهای ایران معرفی میکنند. یکی از "امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی خلقهای ایران" میداند و دیگری اتحاد شوروی را و سوی عراق و یا انگلیس را، از طرفی رژیم جمهوری اسلامی اکثراً "وابرقدرت آمریکا و شوروی" را دشمن اصلی معرفی مینماید. در حالیکه وجناح متخاصم رد رون رژیم اسلامی هر کدام، یکی آمریکا را شیطان بزرگ میخواند و دیگری اتحاد شوروی را شخص خمینی هم مناسبتها مختلف گاه آمریکا، گاه شوروی و گاه انگلیس و گاه هرسه را دشمن اصلی مرد ایران معرفی میکند.

بنابراین خوانند مغایز ملاحظه میکند که مسئله کمی پیچیده است وند محل همین مسئله و پرخورد غلط ناشی از آن است که اختلافات و رگیریهای غیراصولی و غریب دارد رون اپوز، به دشمنی های کینه توزانه و اصلی تبدیل شد است.

به همین دلیل پرداختن به این مسئله - که دشمن اصلی مرد ایران کیست؟ - یکی از اصولی ترین و مهترین وظایف کلیه آزاد یخواهان و نیروهای ملی ود مکرات است. و تا این مسئله اصولی و عمد حل نگردد، جدالها و کشمکش‌های غیراصولی اراده خواهد داشت و مسئله تابد انجار شد میکند که حتی گروهی سازمان مجاهدین خلق ایران را بدتر از رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکند. ویا اختلافات بصورت رگیریهای نظامی متبول میگردد. بدین ترتیب گره کوری که میباشد بدست آزاد یخواهان ایران بازگرد، بازنخواهد شد و رژیم اسلامی چهبا خمینی و باید ون وی بحیات خود اراده میدهد.

۲- آیا دشمن اصلی داخلی است یا خارجی؟

یک از اساسی ترین وظایف رهبران سیاسی در جنگها، مبارزات و جنبش‌های

حق طلبانه مشخص نمودن دشمن اصلی است . شناخت دقیق و پرخور صحیح به این مسئله میتواند بمنوان یکی از عوامل اصلی در شکست و پیروزی محسوب گردد . تاریخ مبارزات و جنبش‌های ملی در طول تاریخ معاصر ایران و شناخت رهبران سیاسی از دشمن واقعی و دوستان حقیقی همواره عامل اصلی پیروزی‌ها و شکست‌ها بوده است . برای روشن نمودن مسئله میتوان پرسید که : چرا مبارزات ضد استعماری و ملی در انقلاب مشروطیت و جنبش‌ملی بر هبری دکتر مصدق شکست خورد ؟ آیا اگر سران انقلاب مشروطیت و دکتر مصدق ارزیابی صحیح ، علمی و وراندیشانه‌ای از شرایط مشخص آن در وران جامعه ایران ارائه میدادند و در رون کشور میتوانستند با رناظر گرفتن تضاد‌های عمد و غیرعمده و تفکیک آنان از هم و شناخت از دشمن اصلی درونی و دوستان حقیقی ، مرد مایران را در سازمان مشکل و نیرومندی متحد کنند ، هیچ قدرت بزرگ خارجی میتوانست ایران را به زانو فکند و پیاکودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۱ را به مرحله عمل درآور ؟

متاسفانه رهبران ماجون نخواستند و نتوانستند - با در وراندیشی ، از خود گذشتگی و قابلیتی که لا زم پیروزی یک ملت ستمدید و در مند میباشد - از دشکست بزرگ و سرنوشت سازد رهبران مبارزات ضد استعماری و مکراتیک آموخته و در عمل به نتیجه گیری بپردازند ، ملت ایران متحمل شکست موحش بزرگ دیگری که آنهم روی کارآمدان یک رژیم مذنبین - فاشیستی بود ، شد . سیگزینت - تاریخ یک ملت هموار صیرصعوبی و تکامل را طی نمیکند و گهگاه پدید میآید که نهضتها حرکت یک جامعه متوقف میگردد ، بلکه سیر نزولی و عقب گرد راهنمی پیماید . ولی گویا در ایران ، تاریخ ۸۸ ساله‌ای خیر نهضه سیر نزولی را پیموده و این ضرب المثل قدیمی که "شکست مادر پیروزی است" ، در مرور وطن مصادق نیست . بنابراین مسئولیت سنگینی که بد و راز شعارها و انشاء نویسی‌های متداول بر شانه آزاد یخواهان ایران سنگین میکند اینست که نهاده از دشکست بلکه از سه شکست و بیش از همه از شکست ملموس کنونی که برآتاب سخت ترویزگر ترازد و شکست قبلی است - یعنی روی کارآمدان رژیم کنونی - عبرت گرفته و به جمع بندی علمی و راهگشا برای راه حل‌های عمل بپردازند .

البته برای تجزیه و تحلیل یک شیئی یا پدیده باید قبل از هر چیز ویژگیها و تضاد‌های

د رونی عمد وغیر عمد را مورد تغییک و بررسی قرار داد و اینکه چرا یک شیئی یا پدیده مدرگون شد و یا تغییری یا بدستگی به عمل ورشد تضاد های درونی آن شیئی و یا پدیده دارد . برای مثال : در گرگونی اوضاع ایران در بهمن ۷۰ که موجب رونی کارآمد نرژیم اسلامی گردید رامیبا یست نه رتوطه و برناه ریزیها و خالتهای قدرتها بیگانه بلکه در رشد تضاد های درونی ویشمار جامعه ایران مورد تحقیق و بررسی قرار دارد . با وجود اینکه نقش در خالت قدرت های بزرگ خارجی در تغییر اوضاع ایران بی تاثیر نبود ولی عوامل و تضاد های بیشمار در اخلي بود که در بروجور آوردن رژیم جمهوری اسلامی نقش اساسی را بر عهد داشته است . البته در شرایط خاصی اگریک دولت در موکراتیک و مردم در ایران بوجود آید و در این هنگام میهن ما مورد تجاوز نظامی برخی قدرت های بیگانه قرار گیرد ، مسئله کاملاً مشکل در یگری پیدا میکند . در چنین وضعی خواهی دشمن اصلی همان دشمن تجاوزگر خارجی است و تمام ملت میباشد برای نجات میهن بی خیزد و در جنگی سرنوشت سازتا بیرون راندند در شمن خارجی به مبارزه ای همه جانبه درست یا زد . ولی در شرایطی که یک دولت مذہبی - فاسیستی ملت ایران را بهند کشید و ایران را بهمیک زندان بزرگ تبدیل کرده و بازیزیا قرار داد تما اصول و حقوق بین المللی در جهت منافع و مطابع خاص ، میخواهد " انقلاب اسلامی " خود را صادر نماید و تمام منطقه و شاید جهان را به آشوب بکشاند ، چه باید کرد ؟ در حالیکه تئوریسین های رژیم بازیرکی تمام و باتحریک دولت عراق توانستند جنگ ایران و عراق را بوجود آورند و با مطرح کردن جنگ - بعنوان مسئله اصلی ملت ایران - تمام مشکلات روزافزونی که آن روبرو بودند را تحت الشعاع قرار دهند ، آیا میتوان از " جنگ میهنی " چنین رژیمی دفاع کرد و یا ویاتحت لواه " حفظ تمامیت ارضی ایران " در شرایط کنونی در لشکرکشی ایران به عراق دشمن اصلی را یک یا چند کشور خارجی دانست ؟ و یا ابراز کرد که ملت ایران مواجه باشد و دشمن اصلی یک را خلی و یگری خارجی است ؟ متاسفانه برخی از افراد ، شخصیت ها و رهبران سیاسی متوجه این امر نیستند که نمیتوان بنابر اصول علی و واقعیت های انکارناپذیر ایران باد و دشمن اصلی و در وجبهه و ریکزمان روبرو بود . همین استبا مبزرگ سیاسی ، ایدئولوژیک است که آنان را در شرایط ویژه ای قرار میدند که گاهی اوقات مجبورند از سیاست های جنگ طلبانه

رژیم طرفداری کنند . بدین ترتیب این گونه رهبران سیاسی موافقاً این سوال روشی هستند که : آیا میتوان همزمان دو شمن اصلی داشت ؟ اگر جواب این سوال منفی است باید پرسید که آیا این دو شمن اصلی میتوانند در شرایط کنونی یک دلت خارجی مانند عراق باشد ؟ و اگر جواب مثبت است فوراً به آین نتیجه میرسیم که رژیم جمهوری اسلامی به دو شمن غیرعمد و فرعی تبدیل میشود . و در این حالت خواهی نخواهی در مقابل دو شمن اصلی خارجی یعنی دلت عراق امکان همراهی و همکاری در "جنگ میهنی" رژیمها می‌ریزی "منطقی" و "صحیح" جلوه‌گرمیشود . بهمین علت است که برخی از افراد و رهبران سیاسی در گذشتہ وحال دارای مواضع متزلزل در قبال رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند که نمونه‌های از آنرا اخیراً مشاهده کردند . و رژیم هم‌بازیرکی تمام از همین مواضع سراپا اشتباه میزواند . از این‌جا بسیاره می‌جود و آنها را از سیر مبارزه مصیح با دو شمن اصلی داخلی د ورمیکند .

۳ - آیا دو شمن اصلی در شخص خمینی خلاصه می‌شود؟

بسیاری برای این اندیشه بودند که با بمب گذاری ۷ تیرماه ۶۰ در مقرب حزب جمهوری اسلامی وکیله شدند قریب به یکصد تن از سران اصلی رژیم ، ارکان حاکمیت و دلت جمهوری اسلامی در هم فروخته شدند . اما با سپری شدن روزهای نهضت‌ها اتفاق تازه‌ای رخ نداشت بلکه رژیم توانت بسرعت جای خالی کسانی را که کشته شدند بسیار باعظاً می‌که از قبل در نظر گرفته بود پر کرد و به تحکیم موقعيت خود بپردازد . رژیم اسلامی در این بمب گذاری یکی از مهم‌ترین عناصر خود را از دست داد . بیهوده نبود که آقای ولیام سالیوان (۲) سفیر پیشین آمریکا در ایران بیان کرد : " مرد مورد علاقه و مورد نظر ما برای اداره ایران بهشتی بود ، او همقدرت و هم درایت اداره ایران را داشت . متناسبانه . . . اور ازین بردند (۲۰) اما فقد ان بهشتی و دههاتن دیگر از ایران وی که در تشکیل حزب جمهوری اسلامی و

اگنهای رژیم نقش اساسی را بر عهده داشتند گویا کوچکترین خالی در حاکمیت بودند
نیاور و بمب گذاری بمدی همکنها صله دواه در تاریخ اشهریده به ۰.۶ روی داد و
منجر به کشته شدن رئیس جمهور جانی واهنر نخست وزیر رژیم گردید نیز تغییری در اوضاع

به به نیاز دارد .

ازین د وحدت مدد رملی مدت د و ماه چهنتیجهای میتوان گرفت ؟ چند قدرت
بهجید مگاه پنهان گذاشتکاری که جنابهای در نوع رژیم از زرنویس گردند حکومت اسلامی
با آن در رگرسیون ند و راشکال مختلف بروزگرد مهود اکون بصروت د پیگر مطری میشدند .
جناب غالب در رژیم اسلامی پس از اشغال سنگار، سقیط د ولت بازگان و چند ایران و
عراف اکنون به آن در جهاد قدرت و تشکل رسیده بعده که میتوانست با بعد گذاری او از بین
بردن عناصر پرقدرت جناح مخالف و متصاص ابتكار عزل را کاملا در دست نگیرد . این
گوناگون اراد تشکیلات و سما زمانه هی منظم و چیزی دای است . و چهین تشکل و سازماندهی
امنشان را در کوشش جمهوری اسلامی با وجود چند ایران و عراق و شکلات و تضاد هدی
است که و چنان ، تئوریسمین ها و سازمانه دنگان رژیم را زیویت خود مطعم سلطته
است . پس این میتوان برخلاف پیش گوئی ها و نظرات مختلف ابرازکرد که رژیم
جمهوری اسلامی بد ون شخصی خوبی هم میتواند بسیارات خود ادار مدد . حسال آن
کسانی که باساز ماند پیش منتظر نداشته با مرگ خنثی اوضاع ناگهان در گردن شد و چنان حبهی
در روز رژیم بجان هم افتند و رژیم رنگون گرد ، حقیقتا ازوا قمیتهای موجود در ایران
بسیار و ند . در این جاست که این دشمن اصلی را در فرد آیت الله خمینی مییند و نه
در رژیم جمهوری اسلامی . در این میان سازمان معاہدین بنی خلق ایران که هرچهارها رزبرعلیه
رژیم را بر افرادشته و هد حق موضعگیریهای واقع بینانه و صحیحی د رمود جنگ ایران و
عراف انتخاذ کرده ، متساغانه رژیم اسلامی را بعنوان یک تشکل و سیستمی که به دو حکومتی
موجود در ایران تبلویافتندی بیند ، بلکهای طرح کرد ن شمار " مرگ بر خمینی شما راموی
کنونی " تنها شخص خمینی را هدف قرار دید . در حالیکه آیت الله خمینی تنها سنتی

بصورت آلت دست نیروهای مختلف سیاسی در آمد و بعلت بی خردی و تعصبات خشک مذہبی را نسته و پاند انشته همواره مورد استغفار «الغا» کنند گان سیاسی بوده است . بنابراین رهبری مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بجاست در شعارهای خود نمشخص خمینی بلکه کل رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن اصلی مرد مایران مطرح کند و همانگونه که اخیرا در انتقاد از خود پیش قد مشد و موضع گذشته واشتباها میز خود را در رباره جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار داده است ، این امر مهم و اساسی را روشن کنند که موجب سوءتفاهمات و اشکالات بیشتر نگردد .

۴- دشمن اصلی مردم ایوان رژیم جمهوری اسلامی است

اگر را ولی روی کار آمد ن رژیم مرد منا آگام با خوش با وری عوام اه فریب تبلیفات توطئه آمیز و دروغین رهبران ، تئوریسینها و مبلغین حکومت اسلامی را خوردند و تصور نمودند که د مکاری ، آزادی وعدالت اجتماعی در ایران برقرار خواهد شد . اکنون پس از گذشت قریب به سال و شاهد واقعیت آی کنونی در ایران عملکرد های ضد مردم حکومت اسلامی و بر ملاشدن کلیه شعارهای عوام فریبانه ، دیگر هیچ گونه تردیدی باقی نمانده که : رژیم عامل اصلی تمام آلام و درهای بیشمار کنونی میباشد و براستی دشمن اصلی مردم ایران است و تازمانی که این رژیم به حیات خود اراده میدهد مرد مایران روی آزادی ، سعادت و خوبی خواهند دید . امروزی اطمینان خاطر میتوان گفت که اکثریت مردم ایران عمیقاً خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند . اما بعلت تشکل نشروعه و سازماند هی اقلیتی ناچیز و ماتکیم بر زور سرنیزه و سرکوب مرد موبای استغفار «الغا» ناقاط ضعفیک ملت و سهر مرداری از فقر روز افزون در بین طبقات زحمتکش ، مانند هر پیدیده منفی و مخالف مسیت ای روح تولیستها است بحیات خود اراده نهاد . ولی با یاد از عان نمود که شکل این اقلیت محدود و

همپکست و خالی از اشکال نیست. وجود جناحهای درونی حاکمیت و موضعگیریهای متضاد آنان در قبال : اشغال سفارت آمریکا ، دولت بازرگان ، اد امجنگ ایران و عراق ، مسئله افغانستان ، روابط سیاسی خارجی ، ملی کردن تجارت خارجی ، اصلاح اراضی و قانون کارو . . آنان را بهد وجناح مخالف و مתחاصمتبدیل کرد هاست. البته وجناح طرفدار سه مسئله مهم و تعیین کننده در سیاستهای داخلی و خارجی (یعنی اشغال سفارت آمریکا ، سقوط دولت بازرگان و اد امجنگ ایران و عراق) موضع گلکیدی را در حاکمیت درست دارند و از نظر سازماندهی و تشکل بسیار قوی میباشدند . در حالیکه وجناح مخالف آنان در طی ۶ سال گذشته روز بروز موضع خود را ازدست داده و تشکلی ندارد و از یک پراکنده‌گی فوق العاده ای برخوردار میباشد و درنتیجه در بسیاری از موارد مجبور است با ترس ولزی سیاستهای جناح غالب تن درد هد .

آزاد یخواهان ایران با توجه به وجود اختلافات بین جناحهای رقیب ، تشدید این تضاد هارا بمنفع نیروهای مردی و تضعیف رژیم میدانند . ولی این به چوچه بمعنای آن نیست که بهیکی ازد وجناح ارجاعی و خائن به ملت امید بینندند و ازا و انتظار آزادی ایران را داشتمباشند . آری امروز ریکطرف نیروهای رژیم جمهوری اسلامی (با جناحهای درونی آن) به عنوان دشمن اصلی مرد ایران قرار گرفته و رطرف مخالف اکثریت قریب به اتفاق مرد مولکیه آزاد یخواهان ایران قرار دارد . بین این دو جبهه مخالف و مתחاصمتضای آشتی ناپذیر وجود ندارد . آزاد یخواهان ایران و نیروهای در مکرات ، طی و مترقب اگر تسامم هم خود را معطوف به مبارزه با این دشمن اصلی مرد ایران کنند ، مطمئنا با وجود تمام اشکالات و اختلافات لزوم اتحاد را در بین خود درخواهند یافت . این است کلید اصلی مبارزه برای آزادی ایران !

بادداشتها

- ۱- در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۴ کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در بیانیه‌ای اعلام نمود که در رگیری بین شیروهاي حزب در مراتب کردستان ایران و کومله، کومله ۱۳ تن از اعضای خود را زدست داده است و حزب در مراتب کردستان را مسئول این درگیری دانست. از طرفی حزب در مراتب کردستان را اطلاعیه ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ اظهارات نمایند که کومله را رد کرد و مسئولیت رگیری را بعده کومله واگذار کرد. همچنین تعداد کشته شد گان در وطرف را ۱۶ تن اعلام نمود. در پایان اطلاعیه، حزب در مراتب کردستان اظهار نمود که برای پایان دادن به درگیریها، حزب در مراتب کردستان و کومله میباشد تمام نیروی خود را متوجه جنگ باشد شمن واقعی مرد ایران کشند و بیان کرد که: "جای تاسف و تأثیرسیار است که پیشمرگان حزب در مراتب کردستان و کومله بجای اینکه در جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی شهید گردند در جنگ با یکدیگر جان ببازند".
- ۲- رجوع شود به مبارد اشتهاي مقاله وظيفه آزاد يخواهان ايران چيست؟ آزادی ايران شماره ۱
- ۳- در تاریخ ۴ ماه مه ۸۳ (۲/۲/۱۴) ولیا مسالیوان ریاست سمنواری را تخت عنوان "انقلاب و مذهب، انقلاب ایران و خاورمیانه" بر عهد داشت. در پایان این سمنواری ولیا مسالیوان در پاسخ به سوال یک از ایرانیان گفت: مرد مورد علاقه و مورد نظر مباری ایران بهشتی بود. او همقدرت و هم در رایت اداره ایران را داشت. متأسفانه... اور از میان بردن. (بنقل از مجاهد ۱۵۸ - ۹ تیر ۶۲)

انتشارات آزادی ایران

آدرس :
SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX , FRANCE

بها : براير ۱۰ فرانك فرانس